**ماه مبارک رمضان**

**شاهراه رستگاری**

**تهيه و ترتيب:**

**خواهران/ ام جهاد و ام شهيد**

**زير نگرانی:**

**ابو شهيد**

استاد دانشگاه بين المللی اسلامی اسلام آباد

**این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **آدرس ايميل:** |  | **book@aqeedeh.com** | | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv | | |  | | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  www.shabnam.cc  www.sadaislam.com | |
|  | | | | | | |
|  | | | |  | |  |

بسم الله الرحمن الرحیم

**فهرست مطالب**

[دريچه 1](#_Toc419627552)

[هلال ماه مبارک رمضان بين حقيقت و خيال! 5](#_Toc419627553)

[پيشواز به سوی بهار قرآن 11](#_Toc419627554)

[چگونه از ماه نزول قرآن استقبال کنيم؟ 11](#_Toc419627555)

[رمضان ماه نبرد وکارزار در راه خدا 11](#_Toc419627556)

[فضائل روزه و رمضان 19](#_Toc419627557)

[برای روزه‌دار دو خوشحالی است که روح وروان او را شاداب می‌کنند: 20](#_Toc419627558)

[فضيلت‌های ماه رمضان وروزه‌اش 22](#_Toc419627559)

[حکم و فوائد روزه ماه مبارک رمضان 23](#_Toc419627560)

[فوائد روزه 24](#_Toc419627561)

[راه وروش پيامبر ج در رمضان 26](#_Toc419627562)

[چه چيز برای روزه دار شايسته وچه چيز واجب است؟ 26](#_Toc419627563)

[روزه و تربيت نفس 26](#_Toc419627564)

[آداب روزه و سنت‌هايش 29](#_Toc419627565)

[[چند پرسش و پاسخ مهم در مورد روزه و رمضان] 31](#_Toc419627566)

[خوابيدن ساعت‌های طولانی از روز 31](#_Toc419627567)

[ترک کردن نماز روزه دار! 31](#_Toc419627568)

[بدون عذر روزه نگرفتن 32](#_Toc419627569)

[بنده رمضان! 32](#_Toc419627570)

[خوردن در وقت اذان صبح 32](#_Toc419627571)

[بلعيدن آب دهن 33](#_Toc419627572)

[مسواک درروز 33](#_Toc419627573)

[خمير دندان و قطره 34](#_Toc419627574)

[وارد شدن آب به حلق از روی عمد 34](#_Toc419627575)

[جنب - استفراغ - خون 34](#_Toc419627576)

[استفاده از بوی خوش 35](#_Toc419627577)

[از جمله چيزهايی که علما استعمالشان را در روز رمضان جايز دانسته‌اند 35](#_Toc419627578)

[راه وروش پيامبر در روزه 36](#_Toc419627579)

[تشويق کردن بچه‌ها به روزه در رمضان 36](#_Toc419627580)

[چيزهای که روزه را باطل می‌کنند 37](#_Toc419627581)

[کسانی که خوردن روزه در رمضان برايشان مباح است 37](#_Toc419627582)

[حکم روزه برای کسی که مريض است و اميد به شفايش نيست 38](#_Toc419627583)

[حکم روزه خوردن کارگر 39](#_Toc419627584)

[زنی که بلافاصله بعد از فجر پاک شود 39](#_Toc419627585)

[خوردن قرص‌هايی که برای منع حيض در رمضان استفاده می‌شوند 40](#_Toc419627586)

[حکم تأخير قضای رمضان 40](#_Toc419627587)

[نماز تراويح 41](#_Toc419627588)

[فتواهای که برای سحر و تراويح داده شده است 43](#_Toc419627589)

[حکم نماز تراویح 43](#_Toc419627590)

[قرائت قرآن از روی قرآن در تراویح 43](#_Toc419627591)

[رفتن از يک مسجد به مسجد ديگر 44](#_Toc419627592)

[بهتر است که تابع امام باشيم 44](#_Toc419627593)

[سحری و قیام اللیل: 45](#_Toc419627594)

[ده روز آخر ماه رمضان 47](#_Toc419627595)

[اعتکاف 47](#_Toc419627596)

[ای برادر وخواهر معتکف: 48](#_Toc419627597)

[حکم اعتکاف و شرط‌هایش 48](#_Toc419627598)

[لیلة القدر 49](#_Toc419627599)

[درجه‌های روزه‌داران 51](#_Toc419627600)

[رمضان ماه قرآن 53](#_Toc419627601)

[رمضان ماه بخشش و سخاوت 55](#_Toc419627602)

[چند نصيحت 55](#_Toc419627603)

[عمره در ماه مبارک رمضان 59](#_Toc419627604)

[وداع با ماه نور 61](#_Toc419627605)

[بعد از رمضان 63](#_Toc419627606)

[زکات فطر (فطريه) 66](#_Toc419627607)

[عيد 67](#_Toc419627608)

[از سنت‌ها و مستحبات عید 67](#_Toc419627609)

[وقت نماز عید 68](#_Toc419627610)

[مکان نماز 68](#_Toc419627611)

[قضاء نماز عید 68](#_Toc419627612)

[ضميمه 71](#_Toc419627613)

[1- دعای قنوت 71](#_Toc419627614)

[2- نيايش سحرگاهان 76](#_Toc419627615)

دريچه

حمد و سپاس بیکران و ستایش و مدح و ثنای بی‌مانند از آنٍ آن ذات پاک یکتائی که امت ما را بر امت‌های پیشین برتری‌ها داد، اله وخالقی که به ما ماه پر نور وبرکت رمضان را هدیه کرد، خدائی که شب قدر را به ما ارزانی داشت تا با یک شب اجر هزار ماه طاعت وعبادت بدست آریم...

سلام و درود وصلوات پر بار بادا رسول هدایت را، راهنمای بشریت وهادی انسان از سیاه چال‌های ظلمت و تاریکی به سوی مراتب والای نور و هدایت... پیام آور توحید ورسالت... آنکه پرتو ماه پر نور رمضان بر دستان مبارکش از جانب پروردگارمان به ما ارزانی داشته شد...

رمضان ایستگاه پر نور سال است... در رمضان حقیقت هر انسان برملا می‌شود وپرده از واقعیتش بر کشیده می‌گردد... تو گویی رمضان ندای رب العالمین است ... برای بندگانی که همیشه گناه وکوتاهی خویش بر دوش شیطان لعین می‌اندازند وشانه از زیر بار کوتاهی‌های خویش خالی می‌کنند...

ندای پر طنین آسمانی است که با صلابت قلب‌ها را بخود می‌آرد که ای بندگان خدا... حال که ما شیطان‌ها را به زنجیر کشیده‌ایم درهای جهنم سوزناک را قفل وزنجیر زده‌ایم ودرهای بهشت‌های برین را باز گشوده‌ایم... به میدان آی وخودت را نشان ده.

ثابت کن که کیستی وچه در توان داری... با دستان خود جایگاهت را در بهشت‌های والای الهی رقم زن...

آری! رمضان ماه نور ویکرویی است... ماه مرد خدا بودن ویا شیطان شدن (!) است.. آنکه در رمضان ره خدا نجوید وپا در ره شیطان نهد او دیگر راه شیطان نپیموده ویا در دام شیطان نیفتاده، بلکه او خود شیطانی است از شیاطین بشر... چرا که در رمضان شیطانی نیست که او را از راه به چاه کشد... این صفات شیطانی است که در خون ورگ او با او آمیخته شده و فطرت ووجدان ایمانی او را درهم شکسته از او موجودی دیگر در کالبد انسانی پرورده... که اگر توان دیدن او را با آینه صدق وصفای ایمانی داشته باشی همان چهره ننگ و عصیانگر شیطان را در چهار چوب کالبدی انسانیش خواهی دید...

بار دگر رمضان به دیدار انسانیت می‌آید در حالیکه هنوز سرزمین‌های مسلمانان غرق در خون است... رمضان به امید اینکه شاید خون‌های سال گذشته خشک شده باشند و ملت‌های اسلامی ره به سوی رشادت برده باشند و یا اینکه از خواب سنگین خرگوشی بیدار شده باشند بار دگر فرا رسید... اما دید که با تلاق‌های خون مسلمانان مظلوم سیلاب شده، دریاچه‌های خون اقیانوس گشته... کمرهای مسلمانان در هر جای دنیا زیر تازیانه‌های کفر به زانو در افتاده است...

چشمان رمضان چنین حیره وحیران به جهان دوخته گشته... اما چه کند که او را زبانی وتوانی نیست.

آیا گمان می‌بری که اگر رمضان را توانی بود وخبر از قصه همیشگی ظلم وستم، ذلّت وخواری ... آیا بار دگر می‌آمد... گمانم هرگز!

آیا اگر رمضان را زبانی می‌بود با صدای بلند داد بر نمی‌آورد که:

ـ ای مسلمانان بر خیزید... این چه عزا و چه ماتم است؟ تا کی در زیر تازیانه‌های ظالمان شراب ذلت وخواری را مستانه می‌نوشید؟

من آمده‌ام تا گناهانتان را شستشو دهم، بیائید دست در دستانم نهید تا پاک شوید وبه سوی درگاه پروردگارتان دستان لرزان امید وآرزو دراز کنید شاید که خداوند در شما همت حرکت نهد... برخیزید وکیان ظلم وستم از زمین برچینید...

اما چه که بغض گلوی رمضان را محکم فشرده وتوان سخن از او ربوده است... و ای کاش مسلمانان پیام رمضان دریابند وحرف ناگفته را خود شنوند.

این چند سطر در برگیرنده برخی از احکام رمضان است که به روزه داران تقدیم می‌داریم بدین امید که مورد استفاده آن‌ها قرار گیرد و در این ماه پر برکت رمضان یادی از ما در دعاهایشان کنند شاید که خداوند متعال دعای دوستی و برادری را در حق ما پذیرا شود و گناهان بی‌منتهایی مارا بر ما ببخشاید، ومارا در زیر سایه لطف وکرمش همواره سربازان راه خود قرار دهد.

با التماس دعا

أم جهاد و أم شهید

هلال ماه مبارک رمضان بين حقيقت و خيال!

با فرو ریخته شدن پایه‌های متزلزل خلافت عثمانی آخرین پرچمی که با نام اسلام در صحرای وحشتناک جهالت قرن نوزدهم بر افراشته شده بود، این میراث بزرگ بین فرزندان ناباب اسلام، یعنی مسلمانانی که با اسلام فرسنگ‌ها فاصله داشتند به طور ناعادلانه تقسیم گشت.

دست خون آشام استعمار نیز در این مسئله دخالت کرده، از هر چند شهرکی کشوری ساخته بر هر سری کلاهی با رنگ وبوی خاصی نهاده شد.

از آنروز هیمنه سیاسی با نظام وحکومت الهی قهر کرده خودش را به سوی نظام‌های بی‌نظام غربی سوق داد که نهایتا این کشورهای بی‌قانون جهان سوم، پدیده آن حرکت پوشیده و پوسیده قدیم که نه خدای را پیش‌شان ارزشی است و نه انسان را، بوجود آمدند.

بار دیگر قرآن بزندان رفت واسلام در زیر چکمه‌های بچه‌های عاق شده‌اش در سلول‌های تاریک و وحشتناک به جیغ و فریاد درآمد.

امروزه شاهدان عینی این همه وحشیگری و بی‌خدایی هستیم که فردا در میدان محشر شهادت خواهیم داد و با پرده‌کشیدن از اینهمه ظلم و ستم رسوایی ظالمان و ستمگران را شاهد خواهیم شد.

از آنجا که روح دین و خدا پرستی در سینه‌های این امت کاشته شده و با رگ و خون‌شان آمیخته شده بود، هر حکومتی برای جذب مردم ندای اسلام برآورد و قرآن را در کنار داس و چکش و یا صلیب و کرواتش و یا و یا... قرار داد.

دین اسلام نیز دینی است شامل که تمامی شئون زندگی فردی و زندگی اجتماعی را برای پیروانش ترسیم نموده که التزام به آن می‌بایستی همه جوانب را بپوشاند، احکام شخصی و فردی فقط دور و بر تکه گوشتی که قلب نامیده می‌شود می‌چرخد و پس از آن احکام اجتماعی است که این قلب با خدا را با قلب‌های دیگر هم خانواده‌اش می‌آمیزاند. از جمله این عبادات همگانی عبادت روزه است که سالی یکماه معده‌ای که همواره زیر رحمت الهی با نظام خاصی نعمت‌های پروردگارش را می‌بلعید در این مدت کوتاه کمکی استراحت می‌کند تا بتواند با ادای فرامین پروردگارش شکری بجا آورد.

در ضمن روح وروان از خالی شده معده استفاده کرده غذای مورد علاقه خود را در می‌یابند وباز پس از سفری طولانی در گناه و معصیت به سوی ریسمان معصوم الهی بازگشته اعتراف می‌کنند که ما بنده‌ایم، بنده وبرده پروردگار عالمیان فقط.

بنده خدا و فقط بنده او بودن یعنی از عبادت همه دست کشیدن و بسوی او روی آوردن... مخالف إله منشی بسیاری از حکومت‌ها است از اینرو آن‌ها همواره سعی می‌کنند که در این عبادت الهی نیز دخالت کرده آن را زیر قانون‌های اساسی بی‌اساس‌شان درآرند.

به همین جهت از مسئله اختلاف مطالع -یعنی اختلاف در طلوع ماه وخورشید- سوء استفاده کرده آن را بر زبان علمای درباری، خواسته یا ناخواسته، مطرح می‌کنند تا همیشه نانشان در روغن بماند!

**در حقیقت در فقه اسلامی چیزی بنام** «اختلاف طلوع و غروب ماه و خورشید» مطرح بوده است و پیامبر اسلام نیز فرموده‌اند: «صوموا لرؤيته وأفطروا لرؤيته». یعنی با دیدن هلال رمضان روزه بگیرید وبا دیدن هلال شوال افطار کنید.

این تنها راه دریافتن ماه مبارک رمضان بوده و هست. اما همانطور که واضح وروشن است سخن پیامبر گرامی اسلام ج موجه بهمه امت اسلامی است پس اگر چنانچه چند نفر از این امت در جایی از کره زمین هلال ماه مبارک رمضان را دیدند روزه بر همه امت واجب می‌شود، نه اینکه ما طبق نظام امروزی اوامر پیامبر اسلام را تأویل کنیم وبگوئیم که ایشان اهل هر کشوری را جداگانه امر فرموده اند، چرا که:

اولاً: وجود این کشورها ومرزهای آن‌ها طبق نظام سیاسی معینی است که روز بروزتغییر می‌کند در حالی که نظام اسلام واحکام الهی ثابت است -مگر در موارد برخی احکام اجتهادی- که اجتهاد نیز در دایره نص ثابت انجام می‌گیرد.

ثانیاً: مناطق مرزی هر کشوری بکشور همسایه نزدیک‌ترند تا به پایتخت کشور خود، مثلاً فاصله مناطق جنوبی با کشورهای عربی کمتر است تا فاصله شان با پایـتخت کشور پس بر چه اساسی در دیدن ماه تابع پایتخت خود باشند؟ (شاید دانستن این نقطه برایت جالب توجه باشد که فاصله بین پاکستان و ایران جاده‌ای است به عرض 4 متر و فاصله بین پاکستان و افغانستان طنابی به قطر 2 سانتی متر (!) و می‌بینی که در این سوی طناب و آنسوی اسفالت مردم آدامس نشخوار می‌کنند در حالیکه همسایه‌ها و خویشان‌شان تسبیح بدست با دهان روزه ذکر خدا می‌گویند، و چند پگاهی بعد در این سوی طناب مردم عید را به همدیگر تبریک می‌گویند در حالیکه در آن سو چشمان برادران‌شان خیره به آسمان در انتظار شب قدر است! - سؤال گریه برانگیز اینست که چرا مسلمانان عقل‌هایشان را بکار نمی‌گیرند؟).

از این قرائن و بسیاری جهات دیگر واضح می‌شود که اختلافاتی که در روزه بعضی از اقوام پیشین بوده سبب آن مسافت طولانی راه و نه بودن وسائل حمل و نقل سریع بوده نه اختلاف مطالع، بدین معنی که مثلاً در شهری ماه دیده شده و مردم شروع بروزه گرفتن نموده‌اند اما در شهر دیگری که از شهر اول 200 کیلو متر فاصله داشته بسبی، از جمله مه‌آلودبودن هوا، ویا ابری بودن آسمان ویا ویا... ماه دیده نشده وروز بعد با دیدن ماه ویا با کامل شدن30 روز شعبان، رمضانشان شروع شده، بر همین اساس عید این دو شهر نیز با اختلاف یک روز بر پا می‌شود که این امر اگر چنانچه واقعاً در گذشته اتفاق افتاده، هیچ غوغائی را نمی‌توانست به پا کند چرا که چاره‌ای جز قبول آن نبود و این اختلاف - در طول مسافت گم می‌شد، و کسی نمی‌توانست بر دیگری اعتراض کند.

اما امروزه با پیشرفت علم بشری - که این خود یکی از راه‌های خداشناسی است وخداوند متعال با تأکید فراوان می‌فرمایند که ﴿إِنَّمَا يَخۡشَى ٱللَّهَ مِنۡ عِبَادِهِ ٱلۡعُلَمَٰٓؤُاْۗ﴾ [فاطر: 28]. «تنها وتنها دانشمندانند که از خداوند می‌ترسند».

پس دانش راهی است برای دریافتن قدرت الهی و علم همیشه و همواره در خدمت تعالیم الهی بوده است. انسان توانسته است که از نظام گردش زمین و خورشید و ماه بطور کلی باخبر شده و از بسیاری از ریزه کاری‌های آن مطلّع گردد، و اگر ما توجه کنیم در خواهیم یافت که همه جهان اسلام - کشورهای اسلامی - در یک شب با هم مشترکند - واختلاف طلوع وغروب بیش از چند ساعت نیست - و این بدین معنی است که همه ما در مسیرگردش «یک ماه» قرار می‌گیریم - یعنی همان هلالی که در یمن قبل از چند ساعت دیده شده بعد از چند ساعتی در شهر ما و در کشور ما می‌بایستی دیده شود، واگر عواملی طبیعی ویا... مانع دیدن ما شد دیگر بر ما هیچ عذری وبهانه‌ای نیست و می‌بایستی بنابر سخن برادرانمان روزه گیریم چرا که امت اسلامی یک جسد هماهنگ است.

وآیا واقعاً شرم آور نیست که مثلاً در کشورهای چون کشورهای عرب در خلیج که هر کشوری از شهرکی بزرگتر نیست یکی امروز ودیگری فردا وآن دیگر بعد ازدو روز دیگر رمضانش شروع می‌شود. واگر امروز روابط سیاسیش با کشور فلان هماهنگی می‌کرد در روزه امسال همسفرش خواهد شد وإلا مخالفت پیشه می‌گیرد. (هلال سیاسی یا هلال شرعی!! بنگر که چرا برخی از سال‌ها روزه ما با عربستان سعودی هماهنگ می‌شود و سال‌های دیگر یک روز به عقب می‌افتد؟ در سال‌های اتفاق اختلاف مطالع کجا رفته بود؟ - شاید جواب این سؤال در وزارت خارجه نهفته باشد!).

و آیا شرم‌آور نیست که در شهرهای بزرگ دنیا چون لندن و پاریس مسلمانان سه روز نماز عید می‌گذارند، سعودی‌ها برطبق عید سعودی، ایرانی‌ها براساس عید در ایران، و ترک‌ها همگام با عید ترکیه!

روزهای سال چون واگنهای یک قطار بهم چسپیده، پیش می‌روند. اگر ما بطور مثال، یک روز قبل از کشور عربستان روزه بگیریم پس ما یک روز از آن‌هایی که براساس اعتقاد خویش دیرتر روزه گرفته‌اند جلو خواهیم افتاد، از اینرو احکام حج ما نیز می‌بایستی یک روز جلو بیفتد و قیام در عرفات ما نیز یک روز جلو می‌افتد، عید قربان ما نیز قبل از عید آن‌ها خواهد بود و اگر چنانچه کشوری دیگر بعد از آن‌ها روزه گرفته باشد در همه این مسائل یک روز با آن‌ها و دو روز با ما اختلاف خواهد داشت. واضح‌تر اینکه: روزی که حجاج خانه مطهر خداوند متعال در عرفات هستند و نیمی از مسلمانان جهان بنا به سنت پیامبر اکرم ج روزه دارند ما قربانی‌هایمان را می‌بایستی سر ببریم، و در روز دیگر که حجاج بیت الله الحرام قربانی می‌دهند و روزه اساسا حرام است برادرهای دیگر ما در جای دیگری از دنیا دهان به روزه عرفه دارند!!!

پس همانگونه که روشن شد این یک نوع قلاعب وبازی گرفتن احکام است و در طول تاریخ اسلام چه در زمان پیامبراکرم ج وچه در زمان یاران آنحضرت وبعد از آن‌ها همچنین مسئله‌ای اصلاً روی نداده ومطرح نبوده است. حال بیا یک لحظه با خود بیندیشیم که این اختلاف ساختگی چه‌ها می‌تواند بر پا کند.

1. کره زمین امروز چون یک دهکده کوچکی است که همه انسان‌ها می‌توانند در کوتاه‌ترین وقت وبا ساده‌ترین روش‌ها با هم رابطه بر قرار کرده بهم برسند. در چنین موقعیتی اختلاف در اولین روز رمضان وعید چه معنا دارد؟!
2. در شهرهای بزرگی که مردم صدها کشور مختلف بنابه احتیاجات روز مره و روابط گوناگون دور هم جمع شده‌اند وهر یکی در احکام تابع فتوای کشور خودش است برقرار کرده چند نماز عید در چند روز متوالی چه معنا دارد؟!

آیا این‌ها همه منافی مفهوم عید واجتماع در نماز و... نیست؟

وآیا با هماهنگی عبادت روزه تعارض ندارد؟

پیشرفت علم ثابت کرده که این اختلاف هیچ گونه دلیلی نداشته وتنها بر أوهام وتنگ نظری‌ها بنا شده است. و در حقیقت این یک مسئله علمی ونجومی است نه یک مسئله فقهی که بر فتوای قدیم بنا شود.

هر یک از ما اگر قدری با خود بیندیشد ومسئله را بدون تعصب وجهت گیری فقط وفقط برای رسیدن بحقیقت بنگرد، در خواهد یافت که این جنجال جز یک تئاتر بی‌معنا چیز دیگری نیست و در خواهد یافت که امام ابوحنیفه/ وقتی در فتوایشان فرمودند که: «اگر چنانچه یک مسلمان راستگو در هر جایی از زمین ماه را ببیند روزه رمضان بر همه مسلمانان واجب می‌شود».

چقدر دور اندیش وحکیم بوده است. نمی‌دانم که چرا ما در این مورد بخصوص سخن آن حضرت را زیر پا نهاده وبه رأی ضعیفتر ومخالف با عقل ومنطق وعلم روی می‌آوریم؟!

پيشواز به سوی بهار قرآن

چگونه از ماه نزول قرآن استقبال کنيم؟

پروردگار جهانیان می‌فرمایند: **﴿**شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ**﴾** [البقرة: 185].

ترجمه: «ماه رمضان ماهی است که درآن قرآن نازل شده است برای هدایت مردم وبا ادله وبراهین آشکارا وروشن برای راهنمائی».

**چنین به استقبال رمضان رویم:**

* توبه خالصانه به درگاه احدیت واستغفار کردن از گناهان خود.
* آموختن اصول روزه درماه رمضان.
* بااعمال نیکو وصالح واراده راسخ وصادقانه وبا همت بلند به پیشواز رمضان رویم.
* آمادگی کامل برای رمضان چرا که لحظه‌ها وروزهای آن بسرعت باد سپری می‌شوند.
* کوشش کردن برای حفظ اذکار ودعاها ومواظبت بر خصوصیاتی که متعلق به این ماه مبارک است.
* قرآن را برنامه زندگی قرار دهیم وآن را تلاوت نموده به احکام آن عمل نمائیم.
* ماه رمضان را ماه قرآن قرار دهیم، قرآن بخوانیم، بیاموزیم وبیاموزانیم، وبسوی قرآن دعوت کنیم.

رمضان ماه نبرد وکارزار در راه خدا

برخی با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان جامه تنبلی وبیهودگی بر تن نهاده گمان می‌برند که رمضان یعنی از راستای زندگی در آمدن و در بستر خواب وبیهودگی لمیدن!

اما مسلمان واقعی که درس زندگی را از دانشگاه رسول اکرم ج می‌آموزد همواره درپی دریافت حقائق از آن أسوه رستگاری است.

با مروری گذرا بر تاریخ اسلامی در می‌یابیم که بزرگترین تحولّات تاریخی و بزرگ‌ترین برنامه‌ای دعوی پیامبر اکرم ج در رمضان صورت گرفته است.

قرآن کریم راهگشای هدایت وبرنامه زندگی واساسنامه دولت اسلامی وحکومت عدل الهی در این ماه مبارک به بشریت هدیه داده شد ﴿شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ هُدٗى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٖ مِّنَ ٱلۡهُدَىٰ وَٱلۡفُرۡقَانِۚ﴾ [البقرة: 185].

ترجمه: «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن برای هدایت ورستگاری مردم با أدله روشن برای راهنمائی وجدائی حق از باطل نازل شده است».

ماه رمضان ماه صداقت زمین وآسمان بود، پرتو پرنور سعادت آسمانی بر زمین وزمینیان.

در این ماه بود که زوزه شمشیر در مقابل غرّش ایمان سر خم کرد وبرای همیشه تاریخ بشریت شاهد وگواه آن شد که آهن پاره‌ها را توان مقابله با ایمان نیست!

آری! معرکه بدر...

**غزوه بدر که معرکه ثبات اسلام ودرهم شکستن کفر وجهالت بود ثمره رمضان است،** «بدر» در تاریخ اسلامی یعنی میدان تاریخ ساز... میدانی که در پهنای آن دو راه بیشتر نبود، یا پیروزی اسلام بر کفر که آن بسیار ناممکن نمودار بود ویا درهم شکستن پایه‌های ضعیف مسلمانان وپیروزی جهالت وظلمت بر نور که میدان معرکه چنین نمایان می‌کرد.

اما خواست پروردگار بود که313 مسلمان چوب وچماق بدست بر بیش از هزار مرد جنگی مسلح به مدرن‌ترین اسلحه‌های زمانه خویش سوار بر اسب‌های نیرومند جنگی، غالب آیند وخورشید تابان ایمان بر تاریکی‌ها پیروز گردد.

در اینجا بر مهم‌ترین غزوه‌های پیامبر ج که در طول 13 سال حکومت اسلامی مدینه در زمان پیامبر اکرم ج رخ داد وبر برخی از بارزترین جنگ‌های تاریخ اسلامی اشاره می‌کنیم تا عاشقان زندگی آن بزرگمرد نبوت به کتاب‌های سیره و تاریخ اسلام رجوع کرده از نزدیک نظاره گر واقعیت‌ها و تفاصیل تاریخی این حقائق زیبا و شیرین باشند، حقائقی که در مؤمنان روح از خود گذشتگی و فداکاری می‌دمد.

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نام معرکه** | **تاریخ نبرد** | **فرمانده لشکر اسلام** | **فرمانده لشکر کفر** | **تعداد نیروهای اسلام** | **تعداد نیروی کفر** | **نتیجه نبرد** |
| سریه سیف البحر | جمعه/ رمضان سال اول هجری | حمزه فرزند عبدالمطلب عموی پیامبر اکرم | أبوجهل | 30 مجاهد سواره | 300 مرد جنگی | جنگی صورت نگرفت ومسلمانان به نیروهای دشمن فهماندند که همیشه آمادگی مقابله دارند. |
| غزوه بدر کبری | جمعه/ 17 رمضان سال دوم هجری | پیامبر اکرم | أبو جهل | 313 نفر بدون اسلحه وآمادگی | 1000 مرد جنگی با اسلحه کامل | پیروزی لشکر اسلامی. مسلمانان22 شهید دادند در حالیکه از کافران 70 نفر بهلاکت رسید و70 نفر اسیر شد وبقیه پا به فرار گذاشتند |
| سریه عمیربن العدی | رمضان سال دوم هجری |  |  |  |  | عمیر خواهرش را که مردم را بر علیه مسلمانان بر می‌انگیخت بهلاکت رسانید. |
| سریه أم قرفه | رمضان سال ششم هجری | ابوبکر صدیق یار غار پیامبر اکرم | أم قرفه |  |  | قبیله بنو قزاره با تبلیغات أم قرفه بر کاروان تجارتی زید بن حارثه حمله ور شده کاروان را ربودند، پیامبر اکرم گروهی را به رهبری ابوبکر صدیق برای نجات کاروان فرستادند که در این درگیری ام قرفه ودخترش وبرخی دیگر به اسارت مسلمانان در آمده، بقیه فرار کردند. |
| سریه المیفعه | رمضان سال هفتم هجری | غالب بن عبدالله |  |  |  | درگیری بین مسلمانان ومردم میفعه که در ضمن تحالف با یهودیان خیبر بودند صورت پذیرفت. |
| غزوه فتح مکه | 10/ رمضان سال هشتم هجری | پیامبر اکرم | قریش مکه |  |  | مکه به وسیله مسلمانان فتح شد در این حادثه تاریخ ساز فقط دو تن از مسلمانان شهید شدند و12 نفر از مشرکان بهلاکت رسیدند وشهر در دست مسلمانان افتاد. |
| فتح أندلس  (اسپانیای امروزی) | 28 رمضان /سال 92 هجری | طارق بن زیاد | لوزریق |  |  | اسپانیا دروازه اروپا به سیطره لشکر اسلام در آمد ونیروهای اسلامی توانستند پس ازآن سینه دریا را شکافته تا فرانسه به پیش روند. |
| جنگ زلاقه | روز جمعه 25/ رمضان479هـ | یوسف بن تاشقین |  |  | بیش از 80 هزار مرد جنگی | لشکر مسیحیان شکست چشم گیری خورد وپا به فرار گذاشت. |
| جنگ عین جالوت | روز جمعه 15/ رمضان658 هـ | سلطان قطز (نوه خوارزمشاه، خواهر زاده سلطان جلال الدین خوارزمی) |  |  |  | مغولیان وحشی که سال‌ها دنیای اسلام را در زیر تاخت وتاز خود به تاراج برده بودند، بغداد ودمشق پایتختهای جهان اسلام جولانگاه اسبان چنگیز خان مغول شده بود در جنگ نابرابرانه عین جالوت پوزیه شان برای همیشه به زمین مالیده شد وکمر شان درهم شکست. |
|  |  |  |  |  |  |  |

فضائل روزه و رمضان

خداوند متعال برای روزه اجر وپاداش بسیار بزرگ وبخشش زیادی قرار داده است همانطور که در سوره احزاب آیه 35 می‌فرمایند: ﴿...وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ﴾ [الأحزاب: 35]. و در دنباله آیه می‌فرمایند: ﴿أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمٗا ٣٥﴾.

**ترجمه:** «زنان ومردان روزه دار... برای همه آن‌ها خداوند متعال مغفرت وپاداش بسیار بزرگی مهیا ساخته است».

رسول الله جمی‌فرمایند: «ما من عبد يصوم يوماً فی سبيل الله إلا باعد الله بذلک وجهه عن النار سبعين خريفاً».

فرموده رسول اکرم ج است که: «هر کسی که فقط بخاطر خداوند روزه می‌گیرد خداوند آتش جهنم را از او 70 سال دور می‌سازد».

روزی أبو امامه به نزد پیامبر ج آمدند و از ایشان سؤال کردند یا رسول الله مرا از انجام دادن کاری که باعث داخل شدنم به بهشت می‌شود با خبر ساز ؟

رسول الله ج در جواب فرمودند: «عليک بالصوم، فإنه لامثل له».

ترجمه: «روزه بگیر، چرا که اجر وپاداش هیچ چیز مثل آن نیست».

در حدیث قدسی خداوند متعال می‌فرمایند:«کل عمل ابن آدم له إلا الصيام فإنه لي وأنا أجزي به، والصيام جنة -أي وقاية- وإذا کان يوم صوم أحدکم فلا يرفث ولا يصخب، فإن سابئ أحد أو قاتله فليقل: إني أمرؤ صائم، والذي نفس محمد بيده لخلوف فم الصائم أطيب عند الله من ريح المسک، للصائم فرحتان يفرحها؛ فرح إذا أفطر بفطره، وإذا لقي ربه فرح بصومه».

«هر کار ابن آدم برای خودش است مگر روزه، که آن برای من است ومن جزا وپاداشش را می‌دهم وروزه سپری است. پس اگر کسی از شما خواست روزه بگیرد فحش ندهد وخشمگین نشود واگر کسی او را ناسزا گفت یا با او درگیر دعوا ومشاجره شد به او بگوید؛ من شخص روزه داری هستم وقسم به کسی که جان محمد در دست اوست بوی دهن روزه دار در نزد خداوند خوشبوتر است از بوی مسک وعنبر».

برای روزه‌دار دو خوشحالی است که روح وروان او را شاداب می‌کنند:

1. هنگامیکه افطارمی کند بخاطر افطارش خوشحال می‌شود.
2. هنگامیکه پروردگارش را ملاقات می‌کند بخاطرروزه‌ای که گرفته بودخوشحال می‌شود.

اما خوشحالی روزه دارهنگام افطارش: وقتی است که نفس‌ها میل دارند به سوی چیزهایی که از آن‌ها منع شده‌اند از جمله خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها وشهوات نفسانی.

روزه دار برای نزدیک شدن به خداوند شهواتش را ترک می‌کند بر طاعت وعبادتش می‌افزاید وبه طرف او مبادرت می‌ورزد. و در شب که خلوتگاه بنده وپروردگارش است برمی خیزد واو را تسبیح می‌گوید. و در روز به امر پروردگارش آنچه را که او برای روزه دار حرام دانسته را ترک می‌کند وبه آن بر نمی‌گردد مگر به امر پروردگارش.

پس در هر دو صورت فرمانبردارش است وبه همین علت از روزه گرفتن پی در پی در چند روز بدون طعام نهی کرده شده است.

پس اگر روزه دار تقرب به سوی خداوند را خواهان باشد باید بخورد وبیاشامد وشکر وسپاس پروردگارش را بجای آورد تا در درگاه پروردگارش مورد مغفرت وآمرزش قرار گیرد وشاید دعایش مستجاب شود همانطور که در حدیث آمده است: «برای روزه دار هنگام افطارش دعوتی است که رد نمی‌شود». (دعایی که مستجاب می‌شود).

اگر کسی در هنگام افطار نیتش بر این باشد که چیزی که می‌خورد و می‌آشامد در او نیرو وتوان وانرژی بوجود آورد تا روز بعد بتواند روزه بگیرد وبتواند طاعت وعبادت کند برای او اجر وپاداشی نوشته خواهد شد حتی اگر اوهنگام خواب - چه در شب و چه در روز - نیت کند به اینکه بعد از آن برای انجام طاعات وعبادات الهی نیرو بگیرد، خواب برایش عبادت محسوب می‌شود.

پس در اینصورت روزه دار شب وروزش عبادت است ودعایش در هنگام روزه مستجاب خواهد شد. وهمچنین در هنگام افطارش، پس او در روزه‌اش روزه دار صبور یست و در شبش عبادت کننده وشکرگذار.

همانطور که گفته شده خوشحالی روزه دارهنگام افطارش از فضل ورحمت الهی است. چرا که خداوند در سوره یونس آیه 58 می‌فرمایند:

**﴿**قُلۡ بِفَضۡلِ ٱللَّهِ وَبِرَحۡمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلۡيَفۡرَحُواْ هُوَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ٥٨**﴾** [یونس: 58].

ترجمه: «ای رسول من به مردم بگو شما باید منحصراً بفضل ورحمت خداوند شادمان شوید که آن بهتر ومفیدتر از ثروتی است که برای خود اندوخته می‌کنید».

وشرط آن اینست که چیزی که با آن فطار می‌کند حلال باشد واگر بر چیزی که خداوند آن را حرام کرده افطار کرد خداوند دعایش را استجابت نمی‌کند همانطور که رسول اکرم ج می‌فرمایند.

«يمد يديه إلی السماء: يا رب يا رب، ومطعمه حرام ومشربه حرام، وملبسه حرام، وغذی بالحرام، فأني يستجاب لذلک»([[1]](#footnote-1)).

ترجمه: «دستانش را به سوی آسمان دراز می‌کند و زاری می‌کند که ای پروردگار من... ای خدای من، در حالیکه غذای حرام خورده، حرام نوشیده، حرام پوشیده و از حرام سیر شده، پس چگونه دعایش پذیرفته شود؟!»

فضيلت‌های ماه رمضان وروزه‌اش

1. از برتری‌هایی که ماه رمضان بر ماه‌های دیگر دارد این است که در آن قرآن کتاب جاویدان الهی همراه با دلایل روشنش بر بشریت نازل شده است.
2. در آن شیطان‌ها زندانی می‌شوند ودرهای آتش بسته ودرهای بهشت باز می‌گردد، همانطور که پیامبر ج می‌فرمایند: «إذا جاء رمضان فتحت أبواب الجنة، وغلفت أبواب النيران، وصفدت الشياطين».
3. شب قدردر این ماه است وآن نیز از هزار ماه بهتر است. کسی که از آن محروم گردد تو گویی که از همه ماه مبارک محروم مانده است.
4. روزه‌دار در این ماه با روزه‌اش غفران وآمرزش الهی را بدست می‌آورد همانطور که پیامبر جمی‌فرمایند: «من صام رمضان إيماناً واحتساباً غفرله ما تقدم من ذنبه». ترجمه: کسی که رمضان را با ایمان خالص روزه گرفت واجر وپاداشش را فقط از خداوند خواست، خداوند از گناهان پیشین او در می‌گذرد.
5. با زنده داشتن شب‌ها در طاعت وعبادت پروردگارش به آمرزش ومغفرت او دست می‌یابد، همانطور که رسول الله ج می‌فرمایند: «کسی که شب رمضانش را با ایمان خالص برپا داشت وطلب اجر وپاداشش را فقط از خداوند خواست گناهان پیشینش بخشیده می‌شوند». وهمچنین در آخر شب‌های رمضان گناهان روزه دار بخشیده می‌شود.
6. رسول الله ج خبر دادند که خداوند متعال آزاد ورها می‌کند بندگان گنه کارش را از آتش در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان.
7. برای روزه دار هنگام افطارش دعایی ست که رد نمی‌شود.
8. فرشتگان برای روزه دار تا وقتی که افطار می‌کنداستغفار می‌کنند.
9. هر روز بهشتش را زینت می‌دهد و می‌فرمایند: «رنج و سختی‌ها وچیزهای آزار دهنده دور می‌شوند از بندگان صالح من وبزودی به سوی من می‌آیند».
10. پیامبر ج می‌فرمایند: «عمره در رمضان مساوی با ثواب حج است».
11. بوی دهن روزه دار در نزد خداوند متعال خوشبوتر است از بوی مسک.
12. خداوند جهنمیان را در تمام شب‌های رمضان از آتش جهنم می‌رهاند.
13. شیاطین زندانی می‌شوند.
14. در ماه مبارک رمضان درهای بهشت باز می‌شوند ودرهای آتش دردناک دوزخ بسته می‌شوند.

حکم و فوائد روزه ماه مبارک رمضان

**حکم:**

تعریف روزه: خودداری کردن از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها از طلوع فجر تا غروب خورشید.

و این فرض ثابتی است درقرآن کریم و سخن‌های پیامبراکرم ج اگر کسی منکر چنین فرضی شود او مرتد کافری است که باید توبه کرده اقرار به فرض بودنش نماید وإلا کشتنش واجب است.

باید روزه رمضان با دیدن حلال ماه یا با اتمام 30 روز کامل ماه شعبان صورت گیرد و در اثبات دیدن ماه شخصی عادل وراستگو کافی است.

ابن قیم/ می‌فرماید: روش پیامبر اکرم ج بر این بود که ماه مبارک رمضان را با دیدن هلال آن ماه شروع می‌فرمودند ویا با به اثبات رسیدن آن از شهادت انسانی درست وبا ایمان. که یکبار با شهادت فرزند عمر وبار دیگر با شهادت وگواهی مردی روستایی که به او اعتماد داشتند روزه گرفتند. واگر چنانچه هلال رمضان را نمی‌دیدند وکسی هم گواهی و شهادت به دیدن آن نمی‌داد ویا هوا ابری بود در اینصورت امر می‌فرمودند که سی روز ماه شعبان را تمام کنند سپس روزه ماه مبارک رمضان را شروع کنند.

از شیخ ابن باز سوال شد: در بعضی کشورهای اسلامی مردم به تقویم‌ها اکتفا می‌کنند بدون اینکه هلال ماه را ببینند پس حکم این چیست؟

جواب دادند: رسول الله ج امر کردند که مسلمانان با دیدن هلال ماه روزه بگیرند وبا دیدنش افطار کنند، واگر هوا ابری بود بر آن‌ها کامل کردن 30 روز ماه شعبان واجب می‌شود.

احادیث زیادی در این مورد آمده است که همه شان دلالت می‌کند بر اینکه دیدن ماه ویا کامل کردن تعداد روزهای ماه شعبان در هنگامی که ماه دیده نشود واجب است و بر هر شخصی نمی‌توان اعتماد کرد مگر اینکه انسانی عادل وراستگو ومورد اعتماد مردم باشد.

فوائد روزه

1. روزه راهی است به سوی تقوا وپرهیزکاری همانطور که خداوند متعال می‌فرماید:
2. **﴿**يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ ١٨٣**﴾** [البقرة: 183]**.** ترجمه: «ای اهل ایمان بر شما هم روزه داشتن فرض گردید چنانکه بر ملت‌های پیشین و امّت‌های گذشته فرض شده بود و این دستور برای آنست که شما پرهیزکار و با تقوا شوید».
3. روزه باعث پاک کردن از تمام چیزهای باطل می‌شود رسول الله ج می‌فرمایند:«من لم يدع قول الزور والعمل به والجهل، فليس لله حاجة في أن يدع طعامه وشرابه»([[2]](#footnote-2)).
4. ترجمه: «کسی که از دروغ و زورگویی و کارهای ناشایست و عصبانیت و آزار و اذیت مردم دست نمی‌کشد خداوند را به پرهیز و دوری از خورد و نوشش هیچ ضرورت وحاجتی نیست».
5. و از فوائدش اینست که شهوت را ضعیف می‌کند وصبر را زیاد می‌کند واراده را قوی می‌کند، همانطور که رسول الله ج جوانانی را که توانایی ازدواج ندارند را امر کردند که روزه بگیرند.
6. وازفوائد دیگرش اینست که مردم را به اتحاد ودوستی، عدل وعدالت، برابری وایثار، فداکاری، بذل وبخشش وکمک کردن به فقرا ومساکین عادت می‌دهد.
7. از فوائده‌های دیگرش: صحت وسلامتی انسان وروده‌ها واصلاح کردن معده وپاک کردن بدن از چیزهای که باعث ضرربرای بدن انسان می‌شود است.
8. واز دیگر فوائدش این است که قلب را مشغول به چیزهایی که او را به سعادت وخوشبختی سوق می‌دهد می‌کند و از زشتی‌ها وگناهان خالی می‌کند وبه ذکر وعبادت وتلاوت قرآنش می‌خواند.
9. واز فوائد دیگر آن است که مجرای خون را تنگ می‌کند(مجرای که از آن شیطان وارد بدن انسان می‌شود) ونفس انسان را آرامش وتسکین می‌دهد وذهنش را راحت می‌کند ووسواس وخیال را از او دور می‌کند وفقط او را متوجه پروردگارش می‌سازد.

راه وروش پيامبر ج در رمضان

از امام ابن قیم است که می‌فرمایند: از سلوک پیامبر ج این بود که در ماه رمضان زیاد عبادت می‌کردند وجبرئیل÷ به ایشان درس می‌دادند.

وایشان در ماه رمضان بهترین مردمان بودند در صدقه دادن، احسان، نیکی کردن به مردم، تلاوت قرآن ونماز از بهترین مردمان بودند، وذکر واعتکاف وتمام چیزهای که اختصاص به ماه مبارک رمضان داشت را زیاد انجام می‌دادند وکارها و عبادت‌های بسیار زیادی را به این ماه اختصاص می‌دادند که در ماه‌های دیگر انجام نمی‌دادند.

چه چيز برای روزه دار شايسته وچه چيز واجب است؟

سوال: چه چیز شایسته روزه دار است وچه چیز واجب است برایش که باید آن را انجام دهد؟

جواب: برای روزه دار شایسته است که بیفزاید بر طاعات وعباداتش وازخود همه کارهای حرام را دور کند، ونمازهای پنجگانه را در وقتشان با جماعت بخواند ودروغ وغیبت وگول زدن ومعاملات ربا (حرام) وهر کار وگفته‌ای که انجام دادنش حرام است را ترک کند. همانطور که پیامبر ج می‌فرمایند: «من لم يدع قول الزور والعمل به والجهل فليس لله حاجة في أن يدع طعامه وشرابه».

ترجمه: «کسی که از دروغ وزورگویی وکارهای ناشایست وعصبانیت وآزار واذیت مردم دست نمی‌کشد خداوند را به پرهیز ودوری از خورد ونوشش هیچ ضرورت وحاجتی نیست».

روزه و تربيت نفس

کسی که نزدیکی به سوی خداوند را می‌خواهد باید از خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و از شهوات دوری کند.

فوائد:

1. شکسته نفسی؛ سیر بودن شکم انسان ومباشرت با زنان او را از خداوند غافل می‌کند.
2. خالی کردن قلب از مشغولیت‌ها و فکرهای بیهوده؛

انجام دادن خواهش‌های نفسانی باعث سنگدلی می‌شود وبین بنده وپروردگارش جدای می‌افکند و این باعث ضعف ایمان وسوق دادن غفلت به سوی او می‌گردد.

خالی بودن شکم از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها قلب را نورانی، انسان را فروتن، غرور او را درهم می‌شکند واو را به سوی ذکر ویاد خدا رهنمون می‌سازد.

روزه مجاری خون را که مجراهای ورود شیطان هستند در جسم انسان تنگ می‌کند وباعث تسکین وآرامش خاطر در انسان می‌شود ووسوسه‌های شیطانی را از او دور می‌سازد و همچنین شهوت غضب را در چشمش از بین می‌برد وبرای همین رسول الله ج روزه را سپری برای شکستن شهوت نفسانی قرار داده‌اند.

**پس ای انسان بدان که:**

مگر با ترک کردن شهوت‌های نفسانی وچیزهای که خداوند در همه حال حرام دانسته مانند دروغ، ظلم، تجاوزکردن بر مردم در خون‌ها، مال‌ها و ناموس‌هایشان نمی‌توانی به خداوند نزدیک شوی.

**چرا که در این مورد پیامبر** ج **می فرمایند:** «کسی که از دروغ وزورگویی وکارهای ناشایست وعصبانیت وآزار واذیت مردم دست نمی‌کشد خداوند را به پرهیز ودوری از خورد ونوشش هیچ ضرورت وحاجتی نیست».

جابر÷ گفت: اگر روزه گرفتی نه تنها دهنت بلکه همراه آن گوش، چشم وزبانت را از دروغ و حرام‌ها مبرا ساز، و از همسایه آزاری نیز دوری کن وسعی کن که وقار ومتانت داشته باشی در روزی که روزهای، وبین روزی که روزه ای وروزی که روزه نیستی فرق مگذار.

بدرستی که نزدیکی به سوی خداوند متعال با ترک کردن کارهای مباح حاصل نمی‌شود مگر بعد از دوری وترک کردن حرام‌ها.

پس کسی که مرتکب کار حرامی شد وبعد از آن خواست با ترک کردن کارهای مباح به خداوند نزدیک شود مثل کسی که فرائض را تر ک می‌کند و می‌خواهد با نوافل به خداوند نزدیکی جوید.

البته چنین کسی روزه‌اش از نظر جمهورعلماء جائز است وبه اینکه دوباره روزه بگیرد،امر نمی‌شود.

درمسند امام احمد است که:

روزی دو زن در زمان پیامبر اکرم ج روزه گرفتند ونزدیک بود که از تشنگی بمیرند. بمردم این موضوع را به پیامبر ج رساندند اما ایشان اهتمام ندادند. سپس دوباره به اطلاع ایشان رساندند این بار پیامبر ج آن‌ها را خواست وبه آن‌ها گفت که استفراغ کنند آن‌ها چرک وخون و گوشت‌های جویده شده را استفراغ کردند.

رسول الله ج فرمودند: این دو زن ازچیزهای که خداوند حلال کرده بود روزه گرفتند و اما با چیزی که خداوند برایشان حرام کرده بود افطار کردند. (باغیبت کردن خود را از پاداش روزه محروم ساختند روزه شان را باطل کردند).

آداب روزه و سنت‌هايش

در روزه چیزهای هست که واجب‌اند وچیزهای است که مستحب‌اند:

1. حرص؛ حرص وطمع در خوردن سحری وتأخیر کردن در آن تا جزء آخر از شب، تا نزدیکی طلوع فجر، چرا که پیامبر اکرم ج فرمودند: «سحری بخورید چرا که در سحری برکت است».
2. تعجیل؛ عجله‌کردن در افطار هنگامیکه خورشید غروب می‌کند همانطور که پیامبر ج می‌فرمایند: «تا روزی که مردم در خوردن افطار عجله کرده، افطار را به تأخیر نیندازند در آن‌ها خیر و نیکی‌هایی بسیاری است».
3. دوری‌کردن از دشنام دادن و سخن‌های دروغ وناسزا وناروا وهمه کارهای حرام دیگر همانطور که پیامبر ج می‌فرمایند: «اگر روزی کسی از شما روزه بود دشنام ندهد حتی اگر کسی به او حرف ناروای گفت یا با او درگیر شد بگوید من شخص روزه داری هستم».
4. با خرما افطار کند اگر نیافت با آب افطارش را شروع کند.
5. وقتی که روزه است به چیزی که دوست دارد دعا کند چرا که دعای روزه دار رد نمی‌شود.
6. پر خوری نکردن در افطار وسحر واکتفا کردن به اندازه‌ای که بدن احتیاج دارد.
7. صدقه زیاد دادن وبه بینوایان غذا دادن چرا که رسول الله ج در رمضان سخاوتمند‌ترین وبخشنده‌ترین مرد درخوبی بودند.
8. تلاوت قرآن وتحقیق وپژوهش همانطور که جبرئیل قرآن را درماه رمضان به پیامبر ج درس می‌دادند.
9. خواندن نماز تراویح در مسجدها وبه اتمام رساندن نماز همراه امام.
10. فزودن بر عبادت در 10 روز آخر ماه مبارک رمضان (شب‌های ليلة القدر).
11. اعتکاف در 10 روز آخر از رمضان.

[چند پرسش و پاسخ مهم در مورد روزه و رمضان]

خوابيدن ساعت‌های طولانی از روز

**س: اگر شخصی تمام روز را بخوابد وفقط برای نمازهای فرض بیدار شود حکمش روزه‌اش چیست؟**

ج: این سوال در برگیرنده دو صورت است؛ در حالت اول شخص در طول روز می‌خوابد وبیدار نمی‌شود و این جنایتی است بس بزرگ که بر خود وروا داشته نزد خداوند عزوجل به تأخیر انداختن نمازها از وقتشان محاسبه می‌شود، پس باید به سوی خداوند عزوجل توبه کند ونمازش را در سر وقتش همانطور که به او امر شده است ادا کند.

اما صورت دوم؛ وآن در حالی است که بلند می‌شود ونمازهای فرض را در وقت‌هایشان بهمراه جماعت بجای می‌آورد و این گناهی ندارد ولی خیلی از کارهای خوب را از دست می‌دهد چرا که روزه دار باید خود را در روزه‌اش با نماز خواندن، ذکر گفتن ودعا کردن وقرائت قرآن مشغول کند تا در روزه‌اش عبادت‌های زیادی را جمع وذخیره کند.

ترک کردن نماز روزه دار!

**س: حکم کسی که روزه می‌گیرد ولی نمازش را ترک می‌کند چیست؟**

ج: کسی که نمازش را از روی عمد ترک کند کافر ومرتد می‌شود وآن کفر بزرگی است وروزه‌اش همراه با بقیه عباداتی که انجام می‌دهد درست نیست تا اینکه به سوی خداوند عزوجل توبه کند همانطور که در سوره انعام آیه 88 می‌فرماید: ﴿وَلَوۡ أَشۡرَكُواْ لَحَبِطَ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٨٨﴾ [الأنعام: 88].

ترجمه: «واگر به خدا شرک آوردند اعمال آن‌ها را نابود می‌سازد».

بدون عذر روزه نگرفتن

**س: حکم کسی که در رمضان بدون عذرروزه نمی‌گیرد ومنکر واجب بودنش هم نیست چیست؟**

ج: کسی که در رمضان از روی عمد وبدون عذر شرعی روزه نگیرد یکی از گناهان کبیره را انجام داده است وبه آن کافر نیست البته همراه بحا آوردن قضایش باید به سوی خداوند متعال توبه کند و دلیل‌های زیاد یست بر اینکه ترک کردن روزه در صورتیکه منکر واحب بودنش نشده باشد کفر نیست.

بنده رمضان!

**س: حکم کسی که روزه می‌گیرد ونماز را فقط در رمضان می‌خواند اما وقتی که ماه رمضان به پایان می‌رسد نماز وروزه‌اش را ترک می‌کند چیست؟**

ج: نماز رکنی است از ارکان اسلام، بلکه بزرگترین رکن‌هاست، بعد از شهادتین«أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله» و از فرض‌های عین است وکسی که ومنکر واجب بودن آن شود و آن را ترک کند وهمچنین اگر ترکش از روی تنبلی کند، کافر محسوب می‌شود. اما کسانی که فقط در ماه رمضان روزه می‌گیرند ونماز می‌خوانند در واقعه خودشان را گول می‌زنند در حالیکه گمان می‌برند که خداوند را گول می‌زنند!!!

و برای چنین کسانی عذاب بزرگی است چرا که آن‌ها خدا را فقط در رمضان می‌شناسند.

خوردن در وقت اذان صبح

**س: حکم شرعی کسی که در حالیکه که اذان صبح را می‌شنود خوردن سحری را ادامه می‌دهد چیست؟**

ج: بر مؤمن واجب است که هنگامیکه طلوع صبح برایش روشن وآشکار شد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها را ترک کند چرا که خداوند در سوره بقره آیه 178 می‌فرمایند:

**﴿**وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ ٱلۡخَيۡطُ ٱلۡأَبۡيَضُ مِنَ ٱلۡخَيۡطِ ٱلۡأَسۡوَدِ مِنَ ٱلۡفَجۡرِۖ**﴾** [البقرة: 187].

ترجمه: «بخورید وبیاشامید تا آنگاه که خط سفیدی روز از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد، پس از آن روزه را شب».

اگر اذان صبح را شنید وفهمید که آن اذان صبح است واجب است که خود داری کند ولی اگر مؤذن قبل از طلوع صبح اذان داد واجب نیست که خوداری کند وخوردن ونوشیدن تا اینکه فجر آشکار وروشن شود مجاز است برایش ولی اگر نمی‌دانست که مؤذن قبل از فجر اذان داده است یا بعد از فجر بهتر است که از خوردن وآشامیدن با شنیدن صدای اذان دست کشید واگرهنگام اذان چیزی خورد ویا نوشید اشکالی ندارد برای اینکه وقت طلوع فجر را نمی‌داند.

بلعيدن آب دهن

**س: حکم بلعیدن آب دهن برای روزه دار چیست؟**

ج: آب دهن روزه را ضرر نمی‌رساند پس بلعیدن آن اشکالی ندارد واگر هم تف کرد اشکالی ندارد، ولی اگر آب دهن غلیظ شد(بلغم) بیرون انداختن ونبلعیدنش واجب است.

مسواک درروز

**س: کسی که از استفاده کردن مسواک در روزهای رمضان خود داری می‌کند.**

ج: درمورد خودداری کردن از مسواک در روزه رمضان، یا غیر از آن، در روزهای که انسان روزه می‌گیرد دلیل خاصی وجود ندارد. ومسواک کردن سنتی است که روزه را باطل نمی‌کند مگر در صورتی که طعم ومزه دهد ویا اثری از آن باقی بماند، البته نباید شخص روزه دار آن را ببلعد، واگرخون از لثه‌اش با مسواک زدن خارج شد باید که آن را نبلعد. و اگر از مسواک زدن خودداری کرد به روزه‌اش هیچ ضرری نمی‌رساند.

خمير دندان و قطره

**س: حکم استفاده کردن خمیر دندان، وقطره گوش، چشم، بینی برای روزه دارچیست؟**

ج: تمییز کردن دندان‌ها با خمیر دندان روزه روزه دار را باطل نمی‌کند والبته باید که از رفتن چیزی به حلقش، دوری کند ولی اگر بدون عمد به حلقش رفت روزه‌اش باطل نمی‌شود.

وارد شدن آب به حلق از روی عمد

**س: اگر روزه دار مزه مزه کرد یا استنشاق کرد وآب داخل حلقش بدون قصد رفت آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟**

ج: اگر روزه دار مزه مزه کرد یا استنشاق کرد وآب داخل حلقش بدون عمد رفت روزه‌اش باطل نمی‌شود برای اینکه این کار از روی عمد نبوده، خداوند متعال در سوره احزاب آیه 5 می‌فرماید:

**﴿**وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتۡ قُلُوبُكُمۡۚ**﴾** [الأحزاب: 5].

**ترجمه:** «اما آن کار زشتی که به عمد وبا اراده قلبی می‌کنید بر آن گناه مواخذه می‌شوید».

جنب - استفراغ - خون

**س: روزی روزه بودم وبعد از اینکه نماز خواندم در مسجد خوابیدم وقتی بلند شدم دیدم که من جنب شده‌ام آیا روزه‌ام با جنب شدن باطل می‌شود؟ ویکباری دیگر سنگی به سرم خورد و از آن خون آمد آیا باید بخاطر آن خون افطار کنم؟ وآیا استفراغ روزه را فاسد می‌کند؟**

ج: جنب شدن روزه را فاسد نمی‌کند برای اینکه به اختیار انسان نیست ولی باید که غسل جنابت بجای آورد.

وسنگی که به سرت برخورد کرد وخون از آن جاری شد روزه را باطل نمی‌کند.

وهنگامیکه بدون اختیارت استفراغ کردی روزه ات باطل نمی‌شود.

همانطور که رسول خدا ج فرمودند:«من ذرعة القيء فلا قضاء عليه، ومن أستقاء فعليه القضاء».

کسی که خود بخود استفراع کرد بجای آوردن قضاء روزه بر او واجب نیست ولی اگر کسی از روی عمد استفراغ کرد باید قضایش را بجای آورد.

**س: آیا هنگامیکه منی به دلیلی از بدن خارج شد بر روزه دار باید که افطار کند یا نه؟**

ج: در صحیحترین قول علما است که روزه دار با خارج شدن منی می‌تواند افطار نکند.

استفاده از بوی خوش

**س: حکم استعمال کردن روزه دار از عطرهای خوشبو در روزه رمضان چیست؟**

ج: استفاده کردن از عطر وخوشبوئی در روزهای ماه مبارک رمضان اشکالی ندارد، مگر عطرها و خوشبوئی‌هایی چون بخور که گاز آن به معده می‌رسد.

از جمله چيزهايی که علما استعمالشان را در روز رمضان جايز دانسته‌اند

* اکسیژن دادن به بیمارانی که دارای مرض ریه هستند.
* استفاده کردن سرمه در شب بهتر است برای روزه دار.
* واکسنی که برای تغذیه نیست و در رگ‌ها وعضله‌ها استفاده می‌شود وهمچنین آزمایش خون گرفتن.
* استفاده کردن از سرم غذائی در زمان حاجت ونیاز بخاطر عدم شباهتش به خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.
* چشیدن غذا در زمانی که لازم شد برای اینکه فقط بر روی زبان قرار می‌گیرد وفقط برای تشخیص دادن شیرنی ویا مزه‌اش است البته این در صورتی است که نباید چیزی از آن را بلعید.
* خوردن وآشامیدنی که از روی فراموشی باشد روزه را باطل نمی‌کند ولی اگر بیادش آمد باید چیزی را که در دهنش است بیرون کند.
* بوسیدن زن در هنگام روزه اشکال ندارد به شرط اینکه باعث بر انگیختن شهوت وریختن منی نشود.

راه وروش پيامبر در روزه

ابن قیم می‌گوید: پیامبر ج قبل از اینکه نماز بخوانند افطار می‌کردند و از راه وروششان این بود که وقتی که از روی فراموشی چیزی را می‌خوردند ویا می‌نوشیدند قضایش را بجای نمی‌آوردند.

ومسواک می‌زدند در حالی که روزه دار بودند. همچنین مزمزه واستنشاق می‌کردند در حالی که روزه دار بودند البته روزه دار را از تکرار آن منع می‌کردند.

تشويق کردن بچه‌ها به روزه در رمضان

**س: آیا واجب است که کودک روزه بگیرد واگر در طول روز به سن بلوغ رسید روزه‌اش باطل می‌شود؟**

ج: هنگامی که کودکان چه پسر وچه دختر به سن 7 سالگی رسیدند باید به آن‌ها امر شود که روزه بگیرند تا عادت کنند وباید والدینشان آنان را به روزه ونماز امر کنند واگر در طول روز به سن بلوغ برسند روزه شان قبول می‌شود مثلاً اگر پسری 15 سالش را تمام کرد و در وسط روز احساس کرد به سن بلوغ رسیده در حالی که روزه دار بود روزه‌اش قبول است البته در اول روز نفل حساب می‌شود و در آخر روز فرض، یعنی بعد از اینکه به سن بلوغ رسید فرض حساب می‌شود.

چيزهای که روزه را باطل می‌کنند

فاسدکننده‌های روزه 7 تا هستند:

1. جماع: پس وقتی روزه روزه‌دار با جماع فاسد می‌شود چه در یکی از روزهای رمضان باشد، یا در روزه‌ای که بر او واجب است و باید که کفاره‌اش را انجام دهد و اگر نتوانست باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد. باید 60 مسکین را غذا دهد.
2. ریختن منی با مباشرت و یا بوسیدن و مانند این‌ها.
3. خوردن و آشامیدن از راه دهان و بینی.
4. چیزیکه به معنی خوردن و آشامیدن است مثل سرم غذائی.
5. خارج‌شدن خون بوسیله سرم.
6. استفراغ از روی عمد.
7. خارج‌شدن خون حیض و نفاس.

کسانی که خوردن روزه در رمضان برايشان مباح است

* مریضی‌ای روزه داشتن برایش ضرر دارد.
* شخص مسافر، اگر روزه‌اش رانگیرد برایش بهتر است البته پس، از تمام شدن ماه مبارک رمضان بر او واجب است که قضایش را بجا آورد واگر روزه گرفت برایش پاداشی است در نزد خداوند همانطور که در سوره بقره آیه 184 می‌فرمایند:

**﴿**فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۚ**﴾** [البقرة: 184].

**ترجمه:** «هر کسی از شما مریض باشد یا مسافر به شماره آن از روزهای غیر ماه رمضان روزه بگیرد».

* کسانی که حیض‌اند ویا نفاس روزه شان را بخورند وقضایش را بجای آورند واگر روزه گرفتند برایشان جزا وپاداشی نیست وبایستی قضا بجای آورند.
* زن حامله ویا شیرده اگر ترسید که به بچه‌اش ضرری وارد شود روزه‌اش را بخورد وقضایش را بجای آورد.
* کسی که بخاطر پیری یا مریضی نمی‌تواند روزه بگیرد وروزه باعث عدم شفا ویا طولانی شدن بیماریش می‌شود روزه‌اش را بخورد وباید بجای هر روز مسکینی را غذا بدهد.

**نظریه برخی از علما و فقها بر این قرار است که:**

1. پیرمردی که به درجه ناتوانی رسیده باشد بر او نه روزه ونه قضایش ونه کفاره‌اش هیچ کدام بر او واجب نیست.
2. کسی که احتیاج دارد که در مواقع خیلی ضروری روزه‌اش را بخورد مثلاً برای نجات دادن مسلمانی از غرق شدن یا سوختن و... چنانکه مگر با خوردن روزه‌اش نمی‌تواند کمک کند.
3. کسی که تشنگی وگرسنگی بر او غلبه کرد تا جایی که ترسید هلاک شود.
4. کسی که از ترس جانش مجبور شد که روزه‌اش را بخورد اشکالی ندارد ولی بعداً قضایش را بجای آورد.

حکم روزه برای کسی که مريض است و اميد به شفايش نيست

**س: حکم مریضی که به بیماری سل دچار شده وروزه گرفتن در ماه رمضان برایش مشکل است و می‌داند که اگر روزه بگیرد امیدی به شفایش نخواهد بود چیست؟**

ج: اگر این مریض نیرویش به اندازه‌ای نبود که روزه بگیرد وبا روزه گرفتن امیدی به شفایش نبود بر او واجب است که بجای هر روزی که روزه نگرفته مسکینی را غذا بدهد یعنی نصف صاع خرما یا برنج ومانند این‌ها یا از چیزی که خانواده‌اش استفاده می‌کند بدهد. مانند پیرمردان بزرگ وناتوان وسالخوردگانی که روزه گرفتن برایشان مشکل است.

حکم روزه خوردن کارگر

**س: آیا جایز است خوردن روزه برای کارگری که زیاد کار می‌کند؟**

ج: برای کسی که به سن تکلیف رسیده است جایز نیست که در رمضان به خاطر این که کارگر است روزه نگیرد ولی اگر زیاد برایش مشکل بود ومجبور بود که افطار کند به همان اندازه که ناتوانی‌اش برطرف گردد افطار کند سپس روزه‌اش را نگه دارد تا غروب و با مردم افطار کند سپس قضایش را بجای آورد.

زنی که بلافاصله بعد از فجر پاک شود

**س: اگر زنی بلافاصله بعد از فجر پاک شود آیا روزه‌اش را نگه دارد ویا روزه بگیرد. وآیا این روزبرایش را حساب می‌شود یا باید که قضای آن روز را بجای آورد؟**

ج: اگر خون در طلوع فجر یا کمی قبلاز آن قطع شد روزه‌اش صحیح است وادای فرض شده است حتی اگرتا پس از طلوع خورشید غسل نکرده بود، اما اگر خونش بعد از روشن شدن صبح قطع شد درآن روز روزه‌اش را بگیرد، وباید قضایش را بعد از رمضان بجا آورد وفرضش ادا نشده. البته خداوند داناتر وآگاهتراست.

خوردن قرص‌هايی که برای منع حيض در رمضان استفاده می‌شوند

**س: حکم خوردن قرص‌های که مانع حیض برای زنان می‌شود؟**

ج: خداوند عزوجل حیض را برای دختران آدم قرار داده است وبرای این دوره ماهانه حکمی را ایجاد کرده است پس اگر زنی حیض شود از روزه ونماز خود داری کند واگر پاک شد واجباتش از جمله روزه ونمازش را ادامه دهد واگر رمضان تمام شد قضای روزهای که از دست داده است رابجای آورد.

بطور واضح‌تر نباید با خوردن قرص واستفاده از دارو فطرت خلقت را بر هم زد، بخصوص که این کار ضررهایی را برای زن در بردارد.

حکم تأخير قضای رمضان

**س: آیا تأخیر انداختن قضای روزه رمضان تا فصل زمستان جایز است؟**

ج: باید فوراً قضای روزه رمضان بجای آورده شود البته، اگر عذری نداشته باشد، مانند حوادثی ناگهانی یا مریضی یا سفر ویا موت. وتأخیر کردن در آن بدون سبب جایز نیست ولی اگر کسی آن را به تأخیر انداخت تا در زمستان که روزها کوتاه است روزه بگیرد اشکالی ندارد وروزه از او ساقط می‌شود. اما باید توجه داشت که فطر از دست دادن این فرصت با بیماری وشاید مرگ وجود دارد.

نماز تراويح

قیام شب در رمضان قیامی است که با جماعت خوانده می‌شود و وقتش بعد از عشاء شروع شده تا طلوع فجر ادامه دارد، ورسول الله ج به نماز در شب رمضان رغبت زیادی داشتند، همانطور که می‌فرمایند: «من قام رمضان إيمانا وإحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه».

«کسی که قیام کرد در رمضان با ایمان خالص وامید پاداش از پروردگارش گناهان پیشینش بخشیده می‌شوند».

در مورد تعداد رکعت‌های نماز تراویح اختلافاتی در بین مردم بروز کرده که متأسفانه جهل وتعصب برخی را بر آن داشته که در مسجد که خانه خداست روی هم بپرند ویا برروی یکدیگر صدایشان را بلند کنند.

باید دانست که اساساً نماز تراویح سنت است و ترک آن گناه نیست. ترک آن باعث محرومیت از اجر و پاداش طاعت وعبادت قیام اللیل همراه با محرومیت از ثواب وپاداش عمل کردن به سنت پیامبر اکرم ج است . و اتحاد مسلمانان واجب و فرض است پس نباید ما بخاطر بجا آوردن سنتی فرض و واجب الهی را زیر پا نهیم.

* روایت‌هایی که به پیامبر اکرم ج می‌رسند بر این اشاره داردند که پیامبر خداج بر قیام الیل تأکید فراوان می‌کردند وهمچنین اشاره‌های صریحی است که ایشان هشت رکعت نماز تراویح همراه با سه رکعت نماز وتر می‌گذاردند. یعنی در مجموع 11 رکعت.
* در روایات صحیحه نیز آمده که مردم در زمان حضرت عمر و عثمان و علیش بیست (20) رکعت تراویح بجای می‌گذاردند که بیشترین فقهاء از جمله حنفی‌ها و حنبلی‌ها و شافعی‌ها و داود ظاهری و سفیان ثوری و ابن مبارک بر این رأیند.
* امام مالک عدد تراویح را به36 رکعت بدون وتر می‌رساند.
* امام ابن حبان می‌گویند که تراویح اول 11 رکعت با قرائتی طولانی بود سپس چون مردم احساس خستگی می‌کردند آن را به 20 رکعت با قرائت متوسط رساندند سپس آن را به 36 رکعت با قرائت کوتاه رساندند تا برایشان راحتر باشد.
* با توجه به روایت‌های صحیحی که بدان دست یافتیم در می‌یابیم که تراویح فرض نبوده وانسان در ادای آن آزادانه می‌تواند اجتهاد کند وما در جمع بین حدیث‌های وارده به این نتیجه رسیده‌ایم که:
* اولاً: سنت ادای تراویح 8 رکعت است. پس نباید بر کسی که 8 رکعت ادا می‌کند خرده گرفت یا او را تحقیر کرد.

ثانیاً: در صورت ادای 20 ویا 36 رکعت 8 رکعت سنت مؤکده بوده و رکعت‌های بعدی از جمله نوافل است که نمی‌توان ادای آن را بدعت شمرد وبر کسانی که آن را بصورت فردی ویا جماعت ادا می‌کنند خرده گرفت. چرا که صحابه پیامبر اکرم ج آن را أدا کرده‌اند.

رمضان ماه عبادت وطاعت است و می‌بایستی که دست‌ها را بالا زد و همت‌ها را بکار گرفت و تا در توان است نهایت بندگی وبرده گی را در دربار الهی چه با انجام فرایض وواجبات ویا سنت‌ها وچه با نوافل ثابت نمود. واختلاف انگیزی ومشاجره در مساجد بدعت وگناه است، نه نمازگزاردن وطاعت پروردگار! و می‌بایستی مردم را بحال خود رها کرد تا هر چه می‌توانند وبهر صورتی که قناعت دارند و در روایات هم ثابت است پروردگارشان را عبادت کنند نه اینکه مطابق فکر واندیشه ویا فهم من ویا شما باشند.

در اینجا لازم می‌بینیم که برادران وخواهران خویش را به فراگیری احکام دین مبین اسلام دعوت دهیم چه که همه اختلافات ومشاجرات ریشه در جهل ونادانی وتعصب دارد.

بیشتر امامان در هنگام نماز تراویح به نماز گزاران چندان توجهی نمی‌کنند ونماز را طولانی می‌خوانند و این کار اشتباهی است چرا که امام فقط برای خودش نماز نمی‌خواند بلکه هم برای خودش وهم برای دیگران می‌خواند.

لازم است که برنماز تراویح احترام زیادی گذاشته شود و در شب‌های رمضان وقت خود را به اینکه از مسجدی به مسجد دیگری برود ضایع نکرد واگر ادای نماز با امام کرد سعی کند که تا آخرش را بجا آورد.

همچنین نماز تراویح با حضور زنان در مسجد اشکالی ندارد البته به شرطی که از فتنه وآشوب در امان باشند وزنان با حجاب وبدون تبرج وخود آرائی وبوی خوش به مسجد بروند.

فتواهای که برای سحر و تراويح داده شده است

حکم نماز تراویح

**س: آیا نماز تراویح فقط سنت است یا سنت موکده؟**

ج: به همان صورتی که در بالا بدان اشاره شد سنت موکده است همانطور که رسول الله ج می‌فرمایند: کسی که قیام کرد در رمضان با ایمان خالص وامید پاداش از پروردگارش گناهانش بخشیده می‌شوند.

قرائت قرآن از روی قرآن در تراویح

**س: حکم قرائت از روی قرآن در نماز تراویح چیست؟**

ج: خواندن از روی قرآن در قیام رمضان یا گوش دادن ونگاه کردن مقتدیان از روی قرآن اشکالی ندارد و این در کتاب وسنت دلیل شرعی دارد که دلالت برجایز بودن خواندن قرآن درنمازها است و از ام المؤمنین عائشهل روایتی است که غلامی در حالیکه از روی قرآن می‌خواند امامت ایشان می‌داد. (به موطا امام مالک مراجعه شود).

**س: حکم دعای قنوت در وتر وآیا ترک کردنش جایز است؟**

ج: در وتر «قنوت» سنت است واگر شخصی آن را در بعضی وقت‌ها ترک کرد اشکالی ندارد. (در ضمیمه دعاهایی آورده‌ایم که می‌توانی در قنوت از آن استفاده کنی).

رفتن از يک مسجد به مسجد ديگر

**س: آیا رفتن در هر شب از یک مسجد به مسجد دیگر بخاطر خوبی صدای امام جایز است؟**

ج: در این مسئله نمی‌توان حکم ثابت داد اما باید دانست که بهتر است انسان همیشه به آن مسجد وپشت آن امامی نماز گذارد که قلبش بیشتر واحساس اطمینان وآرامش می‌کند. البته چون در بیشتر مسجدها امام‌ها سعی در ختم قرآن در تراویح دارند بهتر است انسان در یک مسجد بماند تا بتواند قرآن را بطور کامل از امام در نماز تراویح گوش گرفته از احکام آن بیش از بیش استفاده کند چه که پشمه جوشان قرآن خشک نشدنی و بی‌انتهاست.

بهتر است که تابع امام باشيم

س: در مورد کسی که با امام 10 رکعت نماز می‌خواند وبعد منصرف می‌شود نظر شما چیست؟

ج: سنت است که نماز با امام تمام شود حتی اگر 23 رکعت باشد همانطور که رسول الله ج می‌فرمایند کسی که نماز را از اول تا آخربا امام بر پا کرد خداوند برایش اجر وپاداش قیام اللیل رامی نویسد. حضرت عمرس وصحابه 23 رکعت نماز گزاردند پس در آن هیچ عیب ونقصی وخللی نیست چرا که آن از سنت خلفای راشدین است.

سحری و قیام اللیل:

س: اگر کسی در رمضان قبل از سحر با نیت سحری تاصبح خوابید آیا روزه ای که می‌گیرد صحیح است؟

ج: روزه‌اش صحیح است چونکه سحری شرط صحیح بودن روزه نیست البته آن مستحب است چنانچه که پیامبر ج می‌فرمایند: «سحری کنید که درسحر برکت است».

**س: مقصود برکت سحری که در حدیث آمده چیست؟**

ج: مراد از برکت سحر برکت شرعی وجسمی وبدنی است، اما برکت شرعی یعنی پیروی کردن از امررسول الله ج وبرکت بدنی یعنی تغذیه بدنی یعنی تغذیه کردن بدن وقوی کردن آن برای روزه.

س: آیا ختم کردن قرآن در ماه رمضان واجب است؟

ج: ختم کردن قرآن در ماه رمضان برای روزه دار امری واجب نیست وبرای انسان اما لازم است که در رمضان قرآن را ختم کند چون از سنت رسول الله ج است که در این ماه پیامبر ج از حضرت جبرئیل علیه السلام تمام قرآن را درس می‌گرفتند.

س: آیا قیام اللیل فقط باید در رمضان باشد یا در همه روزهای سال؟ و از چه ساعتی شروع می‌شود آیا فقط قیام نماز است ویا نمازو قرائت قرآن کریم؟

ج: قیام اللیل با نماز و تهجد سنت است و فضیلتش این است که پیامبر ج و اصحابشان همیشه آن را انجام می‌دادند.

خداوند متعال در سوره مزمل آیه 20 می‌فرمایند:

**﴿**۞إِنَّ رَبَّكَ يَعۡلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدۡنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيۡلِ وَنِصۡفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٞ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَۚ**﴾** [المزمل: 20].

**ترجمه:** «خدا به حال تو آگاه است که تو وجمعی هم از آنان که با تو‌اند اغلب نزدیک تو ثلث یا نصف یا (لااقل) ثلث شب را همیشه به طاعت ونماز می‌پردازی».

و این اختصاص به ماه رمضان ندارد ووقتش بین عشاء وصبح است ولی در آخر شب بهتر است واگر در وسط شب نماز خواند برایش اجروپاداش است والله اعلم.

ده روز آخر ماه رمضان

در صحیح بخاری ومسلم آمده است که حضرت عائشهل فرمودند: رسول الله ج هنگامیکه 10 روز آخر رمضان می‌شد زیاد عبادت می‌کردند و شب‌ها بیدار بودند وخانواده‌اش را نیز بیدارمی کردند.

در روایت مسلم آمده است که حضرت عائشهل می‌فرمودند: رسول الله ج همیشه سخت در طاعت و عبادت غرق بودند و در رمضان و بر طاعت و عباداتش بیش از روزهای دیگر می‌افزوند.

حافظ ابن رجب گفت که رسول الله ج 10 روز آخر رمضان را اختصاص می‌دادند به کارهای که در ماه‌های قبل انجام نداده‌اند.

1. شب بیداری، منظور از آن اینست که در تمام شب مشغول به عبادت بودند.
2. پیامبر ج بیدار می‌کردند خانواده یشان را برای نماز در ده شب آخر رمضان اما در شب‌های دیگر نه.
3. رسول الله ج در شب‌های قدر زیاد عبادت می‌کردند.
4. اعتکاف.

اعتکاف

در صحیح بخاری ومسلم آمده است عائشهل می‌فرمودند: پیامبر ج در 10 روز آخر از رمضان در اعتکاف می‌نشستند.

خود را با مناجات وذکر ودعا مشغول می‌ساختند وخود را با مردم مشغول نمی‌ساختند و در خلوت اعتکاف می‌گرفتند.

معتکف کسی است که خودش را تمام وقت مشغول طاعت وعبادت می‌کند و از کارهای که قبلاً به آن مشغول بوده دوری می‌کند .

ای برادر وخواهر معتکف:

* نمازت را به بهترین وجه با خشوع وفروتنی وخضوع بجای آور وآن را در اول وقت با جماعت ادا کن چرا که قیمت تو به انجام دادن کارهای صالح و فرض‌ها به بهترین وجه است.
* خود را به تلاوت قرآن وتدبر وتفکر در آن مشغول ساز چرا که آن همانند یاری است که اگر با او باشی تو را در تمام زندگیت هرگز تنها نمی‌گذارد.
* شب‌های اعتکاف بیدار بمان و در آن قیام اللیل را بجای آور و از خداوند عزوجل طلب استغفار کن چرا که این شب‌ها همانند دیگر شب‌ها نیست وآن را چون شب‌های دیگر به صبح مرسان.
* زبانت را از غیبت کردن، تهمت زدن، سخن جینی کردن ودیگر سخنان زشت بر حذر دار وجز سخن خیر چیز دیگری بر زبانت جاری مساز.
* فقط خداوند گریه وزاری را زیاد کن وشوخی وخنده زیاد را ترک کن وسعی کن که در تمام اوقات زندگیت این خصوصیات را داشته باشی.
* حق برادران مسلمانت را بجا آور وبا آن‌ها آنگونه که اسلام از تو خواسته رفتار کن یعنی آن‌ها را بشناس وبه آن‌ها محبت کن، وبه آن‌ها خدمت وکمک کن.

**چرا که خداوند متعال می‌فرمایند: ﴿**إِنَّمَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ إِخۡوَةٞ**﴾** [الحجرات]ترجمه: «همانا مؤمنان با هم برادرند».

حکم اعتکاف و شرط‌هایش

**س: آیا اعتکاف در ماه رمضان سنت موکده است و چه شرط‌های دارد؟**

ج: اعتکاف در رمضان سنتی است که پیامبر ج آن را در حیاتش ایشان وهمچنین همسرانشان در مسجد به اعتکاف می‌نشستند.

اعتکاف لازم است به صورت شرعیش انجام بگیرد ولازم است انسان مسجدی را برای طاعت خداوند پاک ومتعال انتخاب کند طوری که خود را ازدنیا دور کند وبه انواع عبادت مانند ذکر خدا، نماز، صدقه دادن و... مشغول شود همانطور که رسول الله ج با رغبت زیاد در این روزهای عبادت می‌کردند در اعتکاف می‌نشستند.

معتکف با ید از کارهای دنیا وخرید دوری گزیند، وفروش نکند، از مسجد بیرون نرود، جنازه را همراهی نکند، به دیدار مریضی نرود ولی اگر فردی از خانواده‌اش به دیدنش آمد صحبت کردن با او اشکالی ندارد، همانطور که در ایام اعتکاف پیامبر ج معتکف بودند وأم المؤمنین صفیه به دیدنشان رفتند با ایشان صحبت کردند.

لیلة القدر

قال الله تعالی: **﴿**إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ٢ لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣ تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ٤ سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ ٥**﴾** [القدر]**.**

**ترجمه: «ما قرآن را در شب با ارزش** «لیله القدر» فرو فرستاده‌ایم.. (1) تو چه می‌دانی شب قدر چه اندازه بزرگ وبا عظمت است؟! (2) شب قدر از هزار ماه بهتر است (3) فرشتگان وجبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پیاپی میآیند برای هر گونه کاری که خداوند بدان دستور داده باشد (4) آن شب، تا طلوع سپیده دم، شب سلامت ورحمت ودرود است بر مؤمنان (5)».

عبادت در این ماه وبیدار بودن به خاطر طاعت وعبادت ونماز وقرآن خواندن وذکر گفتن ودعا کردن برابر است با عبادت هزار شب یعنی با 83 سال و4ماه رسول الله ج فرمودند: «کسی که شب قدررا با ایمان خالص وگناهان پیشینش بخشیده می‌شوند».

قیام الیل یعنی بیدار بودن وطاعت وعبادت کردن ونماز وقرآن خواندن وبه ذکر ودعا واستغفارمشغول بودن و از خداوند متعال طلب مغفرت وآمرزش طلبیدن است.

از عائشهل است می‌فرمودند که گفتم یا رسول الله اگر دیدم ودانستم که شب لیلة القدر فرا رسیده است چه دعائی را بگوئیم؟

فرمودند «قولي: اللهم إنک عفوٌ تحب العفو فأعف عني».

بگو خداوندا بدرستی که تو بخشاینده مهربانی ودوستدار بخششی، پس ببخای مرا.

ابن رجب می‌گوید: به طلب بخشش کردن در لیلة القدر به همراه سعی وتلاش خالصانه به درگاه خداوند در ده شب آخر رمضان امر شده است.

چرا افراد صالح وبا تقوا بسیار عبادت وطلب بخشش می‌کنند اما با این حال بر می‌گردند به گناهان قبلی شان وفکر می‌کنند وباز از خداوند طلب بخشش می‌کنند.

درجه‌های روزه‌داران

ابن رجب می‌گوید: روزه داران بر دو طبقه تقسیم می‌شوند:

1. اولینشان کسی است که خوردن وآشامیدن وشهوتش را بخاطر خداوند متعال ترک می‌کند وعوضش را در بهشت از خداوند می‌خواهد ومثال چنین شخصی همانند تاجری است که با خداوند متعال معامله می‌کند، وخداوند متعال کار نیک کسی را ضایع نمی‌کند.
2. طبقه دوم کسی است که دردنیا بخاطر خداوند روزه می‌گیرد خودش را از گناه‌ها وشکمش را از خوردنی‌ها دور نگه می‌دارد وهمیشه آخرت را بیاد می‌آورد و از زیبای‌های دنیا دوری کرده، آن‌ها را برای آخرت ترک می‌کند.

رمضان ماه قرآن

ماه رمضان یعنی ماه نزول قرآن، واختصاص داده شده است به ماه قرآن همانطور که خداونند متعال در سوره بقره آیه 185 می‌فرمایند:

**﴿**شَهۡرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلۡقُرۡءَانُ**﴾** [البقرة: 185].

**ترجمه:** «ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن مجید نازل شده است».

**در صحیح بخاری ومسلم آمده است که ابن عباس می‌گویند:** «رسول الله ج از بهترین مردم هست و و از بهترین بودند در رمضان هنگامیکه دیدار می‌کردند جبرئیل را ودرس می‌دادند قرآن را به ایشان پس رسول الله ج هنگامیکه جبرئیل دیدارش می‌کرد بهترین بودند درخوبی از باد وزنده».

این حدیث بر دوستی تدریس قرآن در رمضان وجمع اجتماع مردم به خاطر آن وقرآن خواندن بیشتر شخص حافط قرآن برای مردم و این دلیلی است از علاقه بیشتر از خواندن قرآن در ماه رمضان.

رمضان ماه بخشش و سخاوت

پیامبر اکرم ج در ماه رمضان بیش از پیش به عبادت وطاعت مشغول می‌شدند وبیش از همیشه سخاوتمند وکریم وبخشاینده می‌گشتند که این خود اشاره ایست به:

1. دو برابر شدن اجر وپاداش اعمال در رمضان
2. تشویق‌کردن روزه‌داران، نمازگزاران و ذکرکنندگان به بطشتر عبادت و طاعت‌کردن که خود اجر و پاداشی مانند انجام‌دادن آن کارهای نیک دارد.
3. جزا و پاداش بستگی به کاری دارد که شخصی انجام می‌دهد و به نیتی که برایش آن کار را انجام داده، و کسی که بر بندگان خدا بذل و بخشش کند خداوند متعال نیز او را مورد بذل و بخشش خود قرار می‌دهد.
4. یکی از راه‌های ورود به بهشت زیاد روزه گرفتن وصدقه دادن است که باعث بخشش گناهان ودوری از جهنم می‌شود.
5. صدقه باعث می‌شود که اگر نقص وخللی در روزه بنده باشد آن را و به همین خاطر بر هر شخص واجب است که در آخر رمضان زکات فطرش را بپردازد تا که شاید با قیمانده کوتاهی‌ها وگناهانش پاک گردند.

چند نصيحت

تو که می‌خواهی از بهترین‌ها باشی و در قیامت تاج سعادت بر سرت نهند بدین چند اندرز ما گوش فرا ده؛

* در ادا کردن نمازت در سر وقتش بسیار مواظب باش.
* سعی کن ذکرهای نماز ودعاهای صبح وعصر را همیشه بر زبانت جاری سازی وبدان که اگر بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید در جایت نشسته ذکر به ذکر خدا مشغول شدی وبعد از آن دو رکعت نماز اشراق (ضحی) را خواندی اجر وپاداش بزرگی در نزد خداوند متعال مانند اجرحج وعمره کامل خواهی داشت.
* سعی کن همه نمازهای سنت مؤکده را بجای آوری دو رکعت آن قبل از صبح و4 رکعت قبل از ظهر و2 رکعت بعد از آن و 2 رکعت بعد از مغرب و2 رکعت بعد از عشاء همانطور که رسول الله ج فرمودند اگرمسلمانی هر روز 12 رکعت سنت را برای خداوند متعال انجام دهد خداوند در بهشت قصری برایش مهیا می‌سازد.
* رمضان فرصت بسیار بزرگی است که آن را غنیمت بشماری، خیلی از مردم در سال‌های گذشته با ما روزه گرفتند ولی الآن در بین ما نیستند و در زیر خاک بسر می‌برند ویا اینکه بدرجه عجز وناتوانی رسیده‌اند که نمی‌توانند روزه بگیرند پس سعی کن اعمال صالح انجام بدهی وبدان که اگر یاور رمضان باشی واو را به دوستی برگزینی خداوند نیز تو را به دوستی بر می‌گزیند وصحت وسلامتی بدست خواهی آورد که آن خود نعمت بسیار بزرگی است پس در همه حال شکرگذار خداوند متعال باش.
* همه نیرو توانت را در راه خواندن وفهمیدن قرآن بگذار و در هر روز از رمضان با خواندن قرآن سعی کن برای خودت توشه‌ای ذخیره کنی و درهنگامی که منزل را مشغول به کاری هستی به قرآن گوش فرا ده بده چرا که رمضان ماه قرآن است.
* سعی کن از رها یافتگان از آتش هولناک جهنم ورحمت شدگان الهی باشی چرا که رمضان ماه بخشش است وخداوند متعال رمضان را ماه رهایی از آتش جهنم قرار داده است.
* بدان که سخن زشت از اجر وپاداش روزه دار می‌کاهد پس زبانت را، حداقل در این ماه، از کلام حرام چون؛ غیبت، دروغ و سخن چینی حفظ کن و از اعمال ورفتار جاهلان کناره گیری کن وهمیشه این سخن پیامبر ج را آویزه گوشت ساز که می‌فرمایند: «... فإن سابة أحد أو قاتله فليقل: إني صائم، إني صائم». پس اگر کسی به تو حرف زشتی ویا قصد جمال ودرگیری با تو را داشت بدو بگو من روزه دارم من روزه دارم.
* در ماه رمضان از آنچه که خداوند به توارزانی داشته بسیار صدقه بده، همانطور که پیامبر ج زیاد صدقه می‌دادند تا جایی که دست سخاوتشان از باد وزنده پیش می‌گرفت.
* ماه رمضان ماه دعا است ودرآن درهای بهشت باز می‌شوند ودرهای جهنم بسته وشیطان در زنجیر اسارت برده می‌شود سعی کن در این ماه از دعا گویان وعاجزان درگاه الهی باشی.
* رمضان ماه عبادت است پس سعی کن نمازت را ادا کنی واگر خواهری خواست در مسجد نمازش را بجا آورد باید را با پوشش وحجاب کامل وخوب وبدون بوی خوش بطرف مسجد رود ونباید که نمازگزاران را با بچه هایش اذیت وآزار رساند.
* رمضان فرصتی است برای تسکین نفس وپاک کردنت وبدان که پروردگار بقیه رمضان همان خدای ماه‌ها وروزهاست پس فقط بنده رمضان مباش.
* سعی کن وقتت را در خواب وتنبلی ویا با نشستن جلوی تلویزیون ضایع نکنی وسعی کن حداکثر استفاده را ازعبادت کردن در این ماه ببری.
* سعی کن در شب ليلة القدر مانند ام المؤمنین اسوه ونمونه باشی، کسی که در شب ليلة القدر بسیار عبادت می‌کرد و می‌گفت؛ هنگامیکه از پیامبر خداج در مورد دعای شب ليلة القدر سوال کردم ایشان فرمودند بگو: «اللهم إنک عفوٌ تحب العفو فأعفُ عني». بار الها تو بخشاینده ای وبخشش را دوست داری پس مرا ببخش.
* سعی کن قبل از نماز عید زکات فطرت را بدهی چرا که آن گناهان روزه دار را پاک کرده، وغذا وطعامی است برای گرسنه فقیر ودرمانده محتاج.
* از خداوند متعال خواهان آن باش که روزه‌ها ونمازها وکارهای نیکویت را مورد قبول درگاهش قرار دهد و از اینکه در این ماه بخشش وغفران از گنه کاران باشی دوری کن. چرا که چقدر از روزه دارانند که از روزه شان جز تشنگی وگرسنگی هیچ بهره‌ای نبرده‌اند وچقدراز نماز گزارانند که چیزی جزء مگر خستگی آیدشان نمی‌شود.
* از اینکه ازنافرمانی خداوند کنی، بخصوص درماه رمضان بر حذر باش، چرا که همانطور که طاعت وعبادت اجر بزرگی در رمضان دارد گناه ومعصیت را سزای بزرگی است.
* واگر در رمضان حیض شدی ناراحت مشو چرا که این امر برای دختران آدم قرار داده شده است ودراین روزها با اعمال صالح دیگر از خداوند طلب اجر وپاداش را خواهان باش چرا که این روزها، روزه‌های مبارکی است.

عمره در ماه مبارک رمضان

**برادر و خواهر مسلمانم!**

**عمره در رمضان ثواب بزرگی دارد همانطور که پیامبر** ج **می‌فرمایند:** «عمره در رمضان مساوی با حج است» و در روایتی دیگر فرمودند: «برابر با حجی است با من».

وبدان که:

نماز خواندن در مسجد الحرام به مثابه 100 هزار نماز است و در مسجد نبوی هزار نماز پس غنیمت بدان این أجر وپاداش را و این فایده‌ها راحاصل کن، ودست وپاهایت را بالا بکش وآماده شو برای این ثواب بزرگ تا که شاید از رستگاران شوی.

وداع با ماه نور

در زمان پیامبر اکرم ج مؤمنان صالح وپرهیزکار زیادی بودند که در رمضان برای جمع کردن اعمال صالح کوشش زیادی داشتند که وسعی زیادی می‌کردند کاری را که شروع کرده‌اند آن را به خوبی به اتمام برسانند.

آن‌ها کسانیند که خداوند درسوره مؤمنون آیه 60 در مورد آن‌ها چنین می‌فرمایند: ﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ وَّقُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ﴾ [المؤمنون: 60].

**ترجمه:** «وآنان که وظایف خود را انجام می‌دهند وباز هم دل‌هایشان از فکر بازگشت به سوی خدا ترسان است».

**حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:** «کاری که انجام می‌دهید سعی کنید که بیشترین اهتمام را برای قبول شدنش بدهید».

بندگان صالح وپرهیزکار در گذشته 6 ماه در سال دعا می‌کردند: بار خدایا ما را برای رمضان آینده زنده نگه دار، و6 ماه بعد از رمضن دعا می‌کردند که خداوند طاعات و عبادت‌هایشان را در رمضان گذشته مورد قبول درگاهش قرار دهد.

حضرت حسنس می‌فرماید: خداوند متعال ماه رمضان را مانند میدان مسابقه‌ای قرار داده است که در آن بندگان صالح و پرهیزکار با طاعات و عبادت‌شان برای کسب رضایت خداوند مسابقه می‌دهند و در این میان گروهی هستند که از گروه دیگر سبقت می‌گیرند و از برنده‌شدگان می‌شوند.

حضرت علیس در آخر شب‌های ماه رمضان فریاد برمی‌آوردند ای کاش می‌دانستم آن سعادتمند خوشبخت نیکوئی که دعایش پذیرفته می‌شود کیست و آن بیچاره محرومی که از درگاه حق رانده می‌شود و دعایش قبول نمی‌شود کیست.

ای بندگان خدا ماه رمضان قصد سفر دارد و از آن چیز کمی باقی نمانده اگر تا حال اعمال صالح وکارهای نیکوی زیادی انجام داده‌ای بیشتر بکوش که تا آخر رمضان چند پگاهی بیش نمانده.

و اما تویی که اعمال صالح انجام نداده‌ای به هوش باش که چند روز دیگر برای اتمام رمضان باقی نمانده این چند روز را غنیمت بشمار و خودت را به خدای خود نزدیک‌تر کن و این را بدان که شاید تقدیر رمضان دیگری را برایت رغم نزده باشد.

بعد از رمضان

رمضان با همه خوبی‌ها ولطافت‌هایی که داشت بالأخره رخت بر بست وقلب‌های مشتاق عاشقانش را در هاله‌ای از امید به بازگشتی دیگر و ترس از اینکه دیگر دیداری در کار نباشد رها کرد.

رمضان امسال آمد وبسیاری از عزیزان ودوستان وآشنایانی که رمضان سال گذشته را در کنار ما به عبادت می‌پرداختند خبری نبود، و رمضان رفت و دوستانی را نیز با خود برد، وبار دیگر رمضان خواهد آمد، اما آیا ما خواهیم بود؟! ویا که رمضان می‌آید وبسیاری از ما - وشاید من و تو هم - زیر خروارها خاک خفته باشیم وبا منکر ونکیر درگیر..!

رمضان آمد وبارهای سنگین گناه کمرهای ما را خم کرده بود، در چشمه جوشان رمضان - بامید مغفرت و بخشش الهی - همه آن گناهان شسته شد وشخصیت هریک از ما بگونه‌ای دیگر ساخته شد؛ دور از گناه وسرشار از باده غفران وبخشش الهی، با درس‌هایی از صبر وبردباری واراده، وبا آموزش فقر اختیاری که دارایان را با درد مستمندان وناداران مجبور آشنا ساخت، با تربیت شکمی که اساس همه اختلافات طبقاتی وروابط اجتماعی است - البته برخی رمضان را فقط اختلاف در اوقات غذا می‌دانند و از آن ماه خورد ونوش وخواب وآرامش ساخته اند، با این وجود رمضان آن‌ها را نیز از برکات خویش محروم نمی‌سازد! -..

در این ماه مبارک خداوند شیطان‌ها را بزنجیر کشید تا مؤمنان بدور از وساوس شیطان وسربازانش بتوانند پله‌های صعود ورسیدن بخداوند را بپیمایند، واکنون که رمضان رفت ... تو گویی می‌خواهد مؤمنانی را که ادعای عشق می‌کنند بیازماید، تا ثابت شود که عشقشان عشقی است راستین وپایدار یا شعاری توخالی ...

حال که رمضان رفته خداوند شیطان‌هایی را که چون شیر درنده یک ماه کامل در زنجیر بودند را به یکباره آزاد می‌کند، خود تصور کنید که شیطان‌ها با چه شراست و ددمنشی‌ای به شکارهای خود حمله ور خواهند شد، از اینروست که اهل عرفان گفته‌اند شیطان پس از رمضان از همیشه وحشی‌تر و درنده‌تر است، چون شیری که یک ماه کامل در بند زنجیر بوده ولب به شکاری نزده باشد!

منکرات وگناهانی که در روز عید شاهد آنی خود ترجمانی است از این شراست وددمنشی شیطان که همه آن‌ها را در چشمان دوستان خویش زیبا جلوه می‌دهد...

ای مؤمن بیا با کمال صداقت ومردانگی کمر به طاعت خداوند بر بندیم تا کمر شیطان بشکنیم. البته با زاد و توشه‌ای که از باغچه رمضان برگرفته‌ایم می‌توانیم به سادگی به آرزویمان دست یابیم.

در مکتب رمضان که خود سلطان فرصت‌های طلایی است آموختیم که فرصت‌های طلایی عبادت را غنیمت بشمریم، و اگر ما تنها و تنها به این نکته توجه کنیم تا آمدن رمضان آینده و درس دیگر به نظر من موفقیت بسیار بزرگی را بدست آورده‌ایم. در اینجا جای دارد به برخی از این فرصت‌های طلایی اشاره‌ای کنیم.

1. شش (6) روز روزه ماه شوال که پیامبر اکرم ج فرمودند: هر کسی که پس از روزه رمضان شش روز از شوال را روزه بگیرد گویا همه سال را روزه گرفته است.
2. نمازهای تهجد سحرگاهان. در وقت سحر خداوند بندگانش را می‌خواند: آیا کسی هست که از من آمرزش بخواهد تا او را بیامرزم...، در این لحظه‌های حساس و فرصت‌های طلایی جای دارد مؤمنان با حداقل دو رکعت نماز خود را به پیشگاه الهی نزدیک سازند وخواست‌هایشان را از او و تنها او بخواهند.
3. پایبندی به نمازهای جماعت پنجگانه.
4. نماز ضحی - یا اشراق - دو رکعت نماز پس از بالاآمدن خورشید که بیشتر مردم از خداوند غافلند، پاداشت حج و عمره‌ی کاملی را برایت به ارمغان می‌آورد.
5. پایبندی به دعاهای صبح وشام.
6. لبخندی بر لبانت! آیا زحمتی دارد که دو لبت را کمی کش دهی و لبخندی بسازی که لبخند مؤمن به برادر مسلمانش صدقه است.
7. روزه تاسوعا و عاشورا.
8. اهتمام به عبادت در ده روز اول ماه ذی الحجه که در این ده روز عمل صالح پیش خداوند از هرچیز دیگری، حتی از جهاد در راه خدا بالاتر و والاتر است، مگر مجاهدی که با مال و جان خویش به معرکه رود و هرگز برنگردد!
9. روزه روز عرفه که کفاره گناهان سال گذشته وآینده است.
10. اهتمام و پایبندی به نمازهای جمعه که جمعه تا جمعه کفاره گناهان میان آن دو و سه روز بیشتر است. (یعنی 10 روز).

این‌ها برخی از فرصت‌های طلایی است که ما از بزرگترین و والاترین و با ارزش‌ترین فرصت طلایی که رمضان است آموختیم، رمضانی که در آن شبی است بهتر از هزار شب، یعنی بهتر از هشتاد و سه سال و چهار ماه، و آنانی که چیزی از کرم و سخاوت الهی درک می‌کنند می‌دانند که «بهتری» نزد خداوند چه معنا دارد! - شاید بیش از هزار سال وشاید هم بیشتر ... - شب قدر پادشاه وسرور فرصت‌های طلایی بود، وخوشا بحال آنانکه این فرصت را غنیمت شمردند.

اگر هریک از ما این فرصت‌های طلایی را با خطی بزرگ نوشته در اتاق خود وپیش روی خود آویزان کند تا همیشه بیادشان باشد بسادگی می‌تواند پیمان وعهدش را با رمضان تا بازگشت دوباره آن حفظ کند...

زکات فطر (فطريه)

عبدالله بن عمر می‌گوید: رسول الله ج فطریه رمضان را برای هر زن و مرد و کوچک و بزرگ از مسلمانان فرض کرده است، فطریه یعنی یک صاع (دو مشت) از غذایی است که شخص باید در ماه رمضان بدهد، البته نمی‌تواند فرش، لباس، حیوان یا کالا ویا چیزدیگری باشد چرا که این خلاف چیزی است که رسول الله ج برای مردم قرار داده است همانطور که می‌فرمایند: «من عمل عملاٌ ليس عليه أمرنا فهو ردٌ».

«کسی که کاری را انجام دهد که من به آن امر نکرده‌ام کارش قابل قبول ما نیست».

\* مقدار صاع2 کیلو و40 گرم از گندم خوب است.

\* امام ابوحنیفه پول را برای فطریه دادن جایز می‌داند. چرا که هدف از فطریه بر طرف‌کردن حاجت بینوا در روز عید است تا با سایر مسلمانان در شادی و خوشحالی عید شریک گردد، در نتیجه او با پول می‌تواند نیازهایش را بهتر برآورده سازد وشاید به برنج ویا گندم نیازی نداشته باشند.

فطریه باید قبل از نماز عید داده شود البته بهتر است فطریه روز عید قبل از نماز عید داده شود و می‌تواند یک یا دو روز قبل از آن نیز ادا شود واگر بعد از نماز عید داده شود جایز نیست.

ابن عباسب از رسول الله ج می‌فرمایند: «فرض زکاة الفطر طهرة للصائم من اللغو والرفث، وطعمةً للمساکين، فمن أداها قبل الصلاة فهي زکاة مقبولة، ومن أداها بعد الصلاة فهي صدقة من الصدقات».

«زکات فطر بر هر مسلمان فرض است چرا که گناهان روزه دار را پاک می‌کند وغذای ست برای فقیران اگر آن را قبل از نماز داد زکاتش پذیرفته می‌شود اما اگر بعد از نماز عید داد آن مانند صدقه است که می‌دهدوزکات فطر محسوب نمی‌شود».

ولی اگر کسی نمی‌دانست که مثلاً امروز عید است وبعد از نماز عید اطلاع یافت ویا در مکانی بود که مستحقی در آنجا نیافت که فطریه را به او بدهد براو واجب می‌شود که بعد از نماز بدهد.

عيد

عید برای کیست؟

برادر وخواهر مسلمانم:

عید شادی وخوشحالی است برای مؤمنان البته اگر از کسانی باشند که در این ماه از پیروز شدگان باشند.

**﴿**قُلۡ بِفَضۡلِ ٱللَّهِ وَبِرَحۡمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلۡيَفۡرَحُواْ هُوَ خَيۡرٞ مِّمَّا يَجۡمَعُونَ ٥٨**﴾** [یونس: 58].

**ترجمه:** «ای رسول الله بگو شما باید منحصراً بفضل ورحمت خدا شادمان شوید که آن بهتر ومفیدتر از ثروتی است که بر خود اندوخته می‌کنید».

بدان که:

عید برای کسی نیست که لباس جدید می‌پوشد برای آن کسی است که بر طاعات وعباداتش افزوده شده است.

عید برای کسی که به لباسش زرق وبرق و زیبایی افزوده نیست عیداز آنِ کسی است که گناهانش بخشیده شده‌اند.

از سنت‌ها و مستحبات عید

* غسل‌کردن و خوشبوکردن بدن وپوشش بهترین لباس.
* خوردن، قبل از خارج شدن برای نماز در عید فطر.
* خارج شدن زنان وبچه‌ها برای عیدگاه.
* رفتن به سوی نماز عید از یک راه وبرگشتن از راه دیگر.
* صدقه زیاد دادن.
* اظهار شادی وخوشحالی هنگام دیدار با مسلمانان.
* تهنیت و تبریک‌گفتن به همدیگر با گفتن «تقبل الله منا ومنک». «خداوند طاعات وعبادات همه ما وشمایان را قبول فرماید».
* تکبیرگفتن در عید فطر از وقتی که به سوی نماز خارج می‌شویم تا وقت خطبه وبعضی از علما تکبیر را از شب عید شروع می‌کنند.

وقت نماز عید

وقت نماز عید به اندازه یک متر یا دو متر یا حدود نصف ساعت بعد از طلوع آفتاب تا قبل از ظهر است.

مکان نماز

اکثر علما می‌گویند که بغیر از مکه در جاهای دیگر باید نماز عید در عیدگاه خوانده شود نه در مسجد، مگر در وقت ضرورت ویامعذوریت چون باریدن باران ویا گرمای طاقت فرسا.

اما طبق نظریه امام شافعی خواندن نماز عید در مسجد بهتر است مگر در زمانی که جا در مسجد تنگ باشد در این صورت در صحرا ویا جایی گسترده‌تر در خارج ویا کناره شهر می‌توان نماز گذارد.

نمازعید شامل دورکعت بدون اذان واقامه است وقبل از آن خطبه انجام می‌گیرد وقبل ازهیچ نماز عید نماز نفلی جایز نیست.

قضاء نماز عید

أئمه حنفی ومالکی می‌گویند کسی که نماز عیدش را از دست داد ونتوانست آن را با امام بجای آورد جایز نیست که به تنهای نماز بخواند باید با جماعت نماز گزارد واگر امکان داشت که با امام دیگری نماز گزارد نمازش را ادا کند .

امام شافعی وامام حنبلی می‌گویند: کسی که نمازعیدش را با امام از دست داد قضایش را مانند نمازعید بجا آورد (برای اینکه حضرت أنسس هنگامی که نمازش در جماعت فوت شد خودشان به تنهایی نمازشان را ادا کردند وشاید این رأی درستر باشد).

در پایان دست‌های تضرع وزاری به درگاه احدیت دراز نموده دعا می‌کنیم:

«اللهم أغفرلنا ذنوبنا، وتقبل صيامناً وقيامناً وأختم بالصالحات أعمالنا، وصلی الله وسلم وبارک علی نبينا محمد وعلی آله وصحبه وسلم».

ضميمه

1- دعای قنوت

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله العظيم القديم الأزل، يغفر الذنوب ويعفو الزلل، تنزه مولانا وخالقنا عن النقص والعلل، جبّار قوي لا يكل ولا يمل.

لا إله إلا اللّه الواحد الأحد، الفرد الصمد، الذي لم يلد ولم يولد، ولم يكن له كفوا أحد، لا إله إلا اللّه، بها نحيا، و بها نموت، وبها نلقي اللّه، وبها نوالي، وبها نعادي، سبحانه من إله عظيم يغفر الذنوب ولا يبالي.

لا إله إلا اللّه العظيم التواب، الغفور الوهاب، الذي خضعت لعظمته الرقاب وذلّت لجبروته الصعاب وخشعت لملكوته أولو الألباب، يسبّح الرعد بحمده والسحاب، غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب، لا إله إلا هو عليه توكلنا وإليه متاب.

لا إله إلا الله ذو الجلال والإكرام، وهو الله الملك القدوس السلام. سبحان الله الملك القدوس المطاع، سبحان الله عدد ما دعا لله داع، سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر.

اللهم لك الحمد، أنت قيّم السماوات والأرض ومن فيهن، ولك الحمد أنت مالك السماوات والأرض ومن فيهن، ولك الحمد أنت نور السماوات والأرض ومن فيهن. اللهم لك الحمد، أنت الحق، ووعدك الحق، ولقاؤك حق، وقولك حق، والجنة حق، والنار حق، والنبيُّون حق، ومحمد حق، والساعة حق.

اللهم لك أسلمت، وإليك حاكمت، فاغفر لي ما قدمت وما أخرت وما أسررت وما أعلنت، وأنت المقدم، وأنت المؤخر، لا إله إلا أنت.

اللهم لك الحمد كله، وإليك يرجع الأمر كله، اللهم لك الحمد حتى ترضى ولك الحمد حين الرضى ولك الحمد بعد الرضى.

اللهم صلِّ وسلم وبارك على عبدك ونبيك محمّد ج عدد ما أحاط به علمك، وخط به قلمك، وأحصاه كتابك، وصل وسلم وبارك عليه ملءَ الجنان والفردوس الأعلى، اللهم صلِّ وسلم عليه حتى ترضى.

اللهم اهدنا فيمن هديت، وعافنا فيمن عافيت، وتولنا فيمن توليت، وبارك لنا فيما أعطيت، وقنا واصرف عنا شر ما قضيت، فإنك تقضي و لا يقضى عليك وإنه لا يعز من عاديت ولا يذل من واليت، تباركت ربنا وتعاليت، نستغفرك اللهم من جميع الذنوب والخطايا ونتوب إليك. أهل الثناء والمجد، أحق ما قال العبد وكلنا لك عبد، اللّهم لا مانع لما أعطيت ولا معطي لما منعت، ولا ينفع ذا الجد منك الجد.

اللّهم اقسم لنا من خشيتك ما تحول به بيننا وبين معصيتك، ومن طاعتك ما تبلغنا به جنتك، ومن اليقين ما تهون به علينا مصائب الدنيا والآخرة، ومتعنا اللهم بأسماعنا وأبصارنا وقوّاتنا أبدا ما أحييتنا، واجعله الوارث منا، واجعل ثأرنا على من ظلمنا، ولا تجعل مصيبتنا في ديننا، ولا تجعل الدنيا اكبر همنا، ولا مبلغ علمنا، ولا إلى النار مصيرنا، واجعل الجنة هي دارنا، ولا تسلط علينا بذنوبنا من لا يخافك فينا ولا يرحمنا، برحمتك يا أرحم الراحمين، اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عنا، اللهم إنك عفو كريم تحب العفو فاعف عنا، اللهم أنك عفو كريم تحب العفو فاعف عنا.

اللهم إن طردتنا من باب جودك فمن الذي يؤوينا؟ وإن أبعدتنا فمن الذي يقربنا؟ إلهنا، ذنوبنا إليك صاعدة، ورحمتك بنا نازلة، يا رب الأرباب، ويا ملك الملوك، إنا نشكو إليك ضعف قوتنا، وقلة حيلتنا، وهواننا على الناس، يا أكرم الأكرمين، ويا أرحم الراحمين، أنت رب المستضعفين، وأنت ربنا، إلى من تكلنا؟ إلى بعيد يتجهَّمُنا؟ أم عدو ملّكته أمرنا؟ إن لم يكن بك علينا غضب فلا نبالي، ولكن عافيتك هي أوسع لنا. نعوذ بنور وجهك الذي أشرقت له الظلمات وصلح عليه أمر الدنيا والآخرة من أن تنزل بنا غضبك أو يحل علينا سخطك، لك العتبى حتى ترضى ولا حول ولا قوة إلا بك.

اللهم إنا ندعوك دعاء المساكين، ونرجوك رجاء الخائفين رجاء من كثرت ذنوبه، وقلّت حسناته، وألجمته خطاياه ولم يجد إلا أنت راحما ولم يجد إلا أنت ناصرا، يا أرحم الراحمين، ويا أكرم الأكرمين، يا رب العالمين، يا واسع الفضل، يا واسع المغفرة، اختم لنا حياتنا برضوانك والعتق من نيرانك يا رب العالمين.

أنت الغني ونحن الفقراء، وأنت القوي ونحن الضعفاء، وإنا عبيدك، بنو عبيدك، بنو إمامك، نواصينا بيدك، ماض فينا حكمك، عدل فينا قضاءك، نسألك اللهم بكل اسم هو لك، سمّيت به نفسك، أو أنزلته في كتابك، أو علمته أحد من خلقك، أو استأثرت به في علم الغيب عندك، أن تجعل القرآن العظيم ربيع قلوبنا، ونور صدورنا، وجلاء أحزاننا، وذهاب همومنا وغمومنا.

اللهم اجعل القرآن العظيم حجة لنا، ولا تجعله حجة علينا. واجعلنا اللهم ممن قرأ القرآن فارتقى به القرآن في أعلى الجنان، ولا تجعلنا ممن قرأ القرآن فزجّ به القرآن في النار، اللهم اجعلنا من حملة القرآن ومن حفّاظ القرآن ومن جنود القرآن تحت لواء القرآن، واجعلنا اللهم من أهل القرآن وخاصّته.

اللهم زين قلوبنا بزينة الإيمان واجعلنا هداة مهتدين، وارفع مقتك وغضبك عنا، ولا تؤاخذنا بما فعل السفهاء منا.

اللهم إنا نسألك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين وأن تغفر لنا وترحمنا وإذا أردت فتنة قوم فتوفنا غير مفتونين.

اللهم إنا نسألك حبك، وحب من يحبك، وحب عمل يقربنا إلى حبك، وحب من ينفعنا حبه عندك.

اللهم لا تدع لنا في مقامنا هذا ذنبا إلا غفرته، ولا همّا إلا فرجته، ولا دينا إلا قضيته، ولا حاجة من حوائج الدنيا هي لك رضا ولنا فيها صلاح إلا قضيتها ويسرتها يا أرحم الراحمين.

إلهنا وخالقنا، يا رحمان ويا رحيم لو بلغت ذنوبنا عنان السماء ما يئسنا من رحمتك، فإن رحمتك أوسع لنا.

اللهم كن لنا ولاتكن علينا، اللهم اختم بالسعادة آجالنا وحقق بالزيادة آمالنا واقرن بالعافية غدونا وآصالنا، واجعل إلى رحمتك مصيرنا ومآلنا.

اللهم أصلح لنا ديننا الذي هو عصمة أمرنا واصلح لنا دنيانا التي فيها معاشنا واصلح لنا آخرتنا التي إليها معادنا واجعل الحياة زيادة لنا في كل خير واجعل الموت راحة لنا من كل شر.

اللهم إنا ظلمنا أنفسنا ظلما كثيرا، وإنه لا يغفر الذنوب إلا أنت فاغفر لنا مغفرة من عندك وارحمنا إنك أنت الغفور الرحيم.

**﴿**رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ**﴾.**

**﴿**رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ**﴾.**

اللهم انصر الإسلام والمسلمين، اللهم انصر الجهاد والمجاهدين، اللهم انصر من نصر دين محمد ج واجعلنا منهم، اللهم اخذل من خذل دين محمد ج ولا تجعلنا منهم.

اللهم من أراد الإسلام والمسلمين بسوء فاشغله في نفسه واجعل تدبيره في تدميره.

اللهم فرّج عن المسلمين في كل مكان، اللهم فرّج عن المسلمين في فلسطين والفليبين والشيشان، اللهم فرّج عن المسلمين في كشمير وإندونيسيا وأفغانستان.

اللهم عليك بجيوش الكفر والنفاق، اللهم العنهم وعذبهم ودمرهم.

اللهم عليك بإسرائيل وأمريكا ومن معهم وكل من ساعدهم، اللهم إنا نجعلك في نحورهم ونعوذ بك من شرورهم. اللهم أرنا فيهم يوما أسودا كيوم هامان وفرعون.

اللهم يا منزل الكتاب ومجرى السحاب وسريع الحساب وهازم الأحزاب اهزمهم يا قوي يا جبار يا منتقم يا متكبر يا قهار يا عظيم يا شديد البطش. اللهم أنت القهار وأنت الجبار أرنا قهرك وجبروتك في هؤلاء الكفار.

اللهم قد أفسدوا البلاد، وقتّلوا العباد، وذبحوا الأطفال وسبوا النساء، اللهم دمّر ديارهم وشتّت شملهم وزلزل أقدامهم وجمّد الدماء في عروقهم وخذهم أخذ عزيز مقتدر عاجلا غير آجل إنك على كل شيء قدير.

اللهم يا رب طير أبابيل سلط أبابيلك على جنود الكفر في كل مكان.

اللهم انصر مجاهدي دينك، اللهم أمددهم بمدد من السماء، اللهم أمددهم بملائكة بدر وأحزاب، اللهم كن معهم ولا تكن عليهم.

اللهم أنت الشافي لا شفاء إلا شفاءك فاشف مرضانا ومرض المسلمين، اللهم اشف جرحى المجاهدين شفاء لا يغادر سقما. اللهم اشفنا من أمراض البدن والروح، اللهم اشفنا من أمراض البدن والروح، اللهم اشفنا من أمراض البدن والروح.

اللهم إنك قلت وقولك حق **﴿**ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ**﴾** وها نحن ببابك قد دعوناك كما أمرتنا فاستجب لنا كما وعدتنا ولا طردنا عن باب جودك خائبين.

وصل اللهم وسلم على عبدك ونبيك محمد ج وعلى صحابته ومن تبعهم إحسان إلى يوم الدين.

سبحان ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين. آمين

2- نيايش سحرگاهان

«بِسمِ اللهِ العَظِيمِ القَدِيمِ الأَزَل، يَغفِرُ الذُّنُوبَ وَيَعفُو الزَّلَل، تَنَزَّهَ مَولَانَا وَخَالِقُنَا عَنِ النَّقصِ وَالعِلَل، جَبَّارٌ قَوِىٌّ لَا يَكَلُّ وَلَا يَمَل».

بنام پروردگار همیشه زنده، بزرگ وپاینده، بخشاینده گناهان، ودرگذر کننده از اشتباهات، پاک است ومنزّه پروردگار ما از کمی‌ها وکاستی‌ها، قویی ونیرومند است، ناتوانی وسستی را بر او راهی نیست.

«لاإِلهَ إِلَّا اللَّـهُ العَظِيمُ الـحَلِيمُ، لا إِلهَ إِلَّا اللَّـهُ رَبُّ العَرشِ العَظِيمِ، لَا إِلهَ إِلَّا اللَّـهُ رَبُّ السِّموَاتِ، وَرَبُّ الأَرضِ، وَرَبُّ العَرشِ الكَرِيمِ».

هیچ معبودی لائق پرستش نیست مگر پروردگار بزرگ وبردبار، جزآفریننده وپادشاه آسمان‌ها وزمین هیچ معبودی شایستگی پرستش ندارد، هیچ إله ومعبودی نیست مگر الله تعالی، پروردگار آسمان‌ها وزمین، پروردگار بخشاینده ومهربان، مالک وصاحب عرش بزرگ، شاهنشه جهان آفرینش.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّم وَبَارِك عَلى عَبدِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ج عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلمُكَ، وَخَطَّ بِهِ قَلَمُكَ، وَأَحصَاهُ كِتَابُكَ، وَصَلَّ وَسَلَّم وَبَارِك عَلَيهِ مِلءَ الجِنَانِ وَالفِردَوسِ الأَعلى، اللّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّم عَلَيهِ حَتَّى تَرضَى».

بار الها به اندازه علم ودانشت وبه عدد کلماتی که قلمت نگاشته وکتابت برشمرده صلوات وسلام ودرود فرست بر بنده وپیامبرت محمد ج. الهی به وسعت بهشت‌ها وفردوس برینت بر او صلوات‌ها و سلام‌ها فرست. بارخدایا بر پیامبرت آنقدر سلام ودرود فرست که موجب خشنودی ورضایتت گردد.

«اللّهُمَّ اهدِنَا فِيمَن هَدَيتَ، وَعَافِنَا فِيمَن عَافَيتَ، وَتَولَّنَا فِيمَن تَوَلَّيتَ، وَبَارِك لَنَا فِيمَا أَعطَيتَ، وَقِنَا وَاصرِف عَنَّا شَرَّ مَا قَضَيتَ، فَإِنَّكَ تَقضِي وَلَا يُقضَى عَلَيكَ وَإِنَّهُ لَا يَعِزُ مَن عَادَيتَ وَلَا يَذِلُّ مَن وَالَيتَ، تَبَارَكتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيتَ، نَستَغفِرُكَ اللَّهُمَّ مِن جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَالخَطَايَا وَنَتُوبُ إِلَيكَ».

بار الها ما را در زمره هدایت یافتگان درگاهت قرار ده. وبا آنانکه گناهانشان را آمرزیده‌ای همراه گردان. وبه دوستی گیر با دوستانت و در آنچه بما ارزانی داشته‌ای برکت نِه. ومارا درپناه خویش از زشتی وپلیدیها دورگردان چرا که قضا وقدر در دست توانای توست وکسی را قدرت محاسبه تو نیست. الهی کسی را توانائی عزّت وشرف بخشیدن نیست آنکس را که تو دشمن شمرده‌ای. وکس نتواند خوار کند آنکه را بدوستی گرفته‌ای. پاک ومنزّهی تو ای پروردگار ما. از همه گناهان و زشتی‌ها به درگاه مغفرت وبخشش تو روی آورده‌ایم.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسأَلُكَ بِأنَّ لَكَ الـحَمدُ، لَا إِلهَ إِلَّا أَنتَ وَحدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، الـمَنَّانُ، يَا بَدِيعَ السَّماوَاتِ وَالأَرضِ، يَا ذَا الجَلَالِ وَالإِکرَامِ، يَاحَيُّ يَا قَيُّومُ، إِنَّا نَسأَلُكَ الـجَنَّةَ وَنَعُوذُبِكَ مِنَ النَّارِ».

بار الها حمد وسپاس تنها شایسته بزرگی توست، جز تو هیچ اله ومعبودی نیست، تویی پروردگار بخشاینده، نیست هیچ شریکی تو را، ای آفریننده آسمان‌ها وزمین، ای شاهنشه سخاوت وبزرگی، ای آگاه وتوانا ودانا بر همه چیز وهمه کس، ما از درگاه تو بهشت برین را مسألت داریم و از عذاب هولناک آتش جهنم به بزرگیت پناه می‌بریم.

**﴿**رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ**﴾.**

بار الها ما بدانچه بر پیامبرت فرو فرستادی ایمان آوردیم و از او پیروی نمودیم، پس ما را با راستگویان وشاهدان وگواهان حق محشور فرما.

**﴿**رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٥ وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٨٦**﴾.**

الهی مارا آزمون آزار وبلای ستمگران وظالمان قرار مده وبا فضل ورحمت خویش مارا از آماج فتنه وبلاهای کافران نجات بخش.

**﴿**رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ**﴾.**

پروردگارا، ببخشای بر ماگناهانمان را و از زیاده رویها وتندرویهایمان درگذر وما را در راهت ثابت قدم دار وبر ملت‌های کافر پیروزمان گردان.

**﴿**رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ**﴾.**

بار الها در دنیا بما خیر ارزانی دار وسرای آخرتمان را خوشبخت وبا سعادت گردان ومارا از عذاب آتش جهنم برهان.

**﴿**رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ**﴾.**

بار الها، مارا بر اشتباهات وفراموشی‌هایمان باز خواست مکن، الهی بار تکالیف و مسؤلیت‌های سنگین را آنچنانکه بر دوش ملت‌های پیشین، بسبب گناهان و معصیت‌هایشان، گذاشته بودی بر دوش مامگذار، پروردگارا برما آنچه که مارا یارای آن نیست و از قدرت وتوانمان خارج است تحمیل مگردان، و از گناهانمان درگذر ومارا مورد عفو وبخشش ورحمت وشفقت خویش قرار ده، تویی یار ویاورما، پس مارا بر ملت‌های کافر پیروز گردان.

**﴿**رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨**﴾.**

بار الها پس از آنکه لذت وحلاوت ایمان را به قلب‌هایمان چشاندی آن‌ها را از راه سعادت گمراه وسرگردان مکن، و از درگاه خودت بما رحمتی ارزانی دار که تنها تویی سخاوتمندترین بخشایشگران.

**﴿**رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ**﴾.**

پروردگارا از گناهان ومعصیت‌های ما وبرادرانمان که در راه ایمان بر ما پیشی گرفتند درگذر، ومارا بیامرز. الهی در قلب‌ها ودل‌های ما هیچ کینه وحقدی بر مسلمانی جای مده. بار الها، تو بسیار رئوف ومهربان وبخشنده ای.

«اللَّهُمَّ اصلِح لَنَا دیننا الَّذِي هُوَ عِصمَةُ أَمرِنَا، وَاصلِح لَنَا دُنيَانَا الَّتي فِيهَا مَعَاشُنَا، واصلِح لَنَا آخِرَتنَا الَّتِي فِيهَا مَعَادُنَا، وَاجعَل الحَيَاةَ زِيَادَةً لَنَا فِي کُلِّ خَيرٍ، وَاجعَلِ الـمَوتَ رَاحَةً لَنَا مِن کُلِّ شَرٍّ».

بار الها، دیانتداری مارا اصلاح گردان که صلاح وموفقیت در کارهایمان بر آن است، ودنیایمان را پاک ساز که حیات وزندگیمان در آن است وآخرتمان را نیکوکن که بازگشتمان به سوی آنست. وهمواره خیر وخوبی‌ها را بر زندگیمان بیفزا وبا مرگ مارا از همه زشتی‌ها وبدی‌ها برهان.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسأَلُكَ الهُدَی وَالتُّقَی، وَالعَفَافَ، وَالغِنَی».

الهی برما هدایت ورستگاری، تقوا وپاکدامنی، قناعت وخوشدلی ارزانی دار.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُبِكَ مِنَ العَجزِ، وَالكَسَلِ، وَالـجُبنِ، وَالبُخلِ، وَالهَرَمِ، وعَذَابِ القَبرِ، اللَّهُمَّ آتِ نُوفُوسَنَا تَقوَاهَا، وَزَکِّهَا أَنتَ خَيرُ مَن زَكَاهَا. أَنتَ وَلِيُّهَا وَمَولَاهَا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُبِكَ مِن عِلمٍ لَاينفَعُ، وَمِن قَلبٍ لَايَخشَعُ، وَمِن نَفسٍ لَاتَشبَعُ، وَمِن دَعوَةٍ لَايُستَجَابُ لَهاَ».

الهی ما از تنبلی وناتوانی، ترسویی وبخیلی، پیری وعذاب قبر به تو پناه می‌بریم. بار الها به دل‌های ما تقوا ارزانی دار و آن‌ها را پاک ساز که تو از همه به پاکی آن‌ها تواناتری، تو صاحب امر ومالک آن‌هایی. الهی ما از علم بیهوده وبی فایده وازقلبی که از تو هراس وترسی ندارد، و از جان وتنی که سیری وقناعت نمی‌شناسد و از دعائی که پذیرفته درگاهت نیست به تو پناه می‌بریم.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُبِكَ مِن زَوَالِ نِعمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ».

بار الها ما از اینکه نعمت‌هایت از ماگرفته شود، وسلامتی وعافیتی را که به ما ارزانی داشته‌ای از دست دهیم و از اینکه ناگهان مورد خشم وغضب تو قرار گیریم، و از هر گونه خشم ونارضایتی ات بتو پناه می‌آوریم.

«اللَّهُمَّ رَحمَتَكَ نَرجُو فَلَا تَکِلْنَا إِلَی أَنفُسِنَا طَرفَةَ عَينٍ، وَاصلِح لَنَا شَأنَنَا کُلَّهُ، لَاإِلهَ إِلَّا أَنتَ».

الهی برحمتت چشم أمید دوخته‌ایم، پس مارا لحظه‌ای به حال خود وامگذار، همه کارها وأمورمان را نیکو گردان، هیچ الهی ومعبودی نیست مگر ذات پاک تو.

**﴿**لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ**﴾.**

هیچ إله ومعبودی نیست مگر ذات پاکت، تو پاکی ومنـزه، منم که برخود ظلم وستم روا داشته‌ام.

«اللَّهُمَّ إِنَّا عَبِيدُک، بَنُو عَبِيدِک، بَنُو إماءِک، نَوَاصِينَا بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّنا حُکمُكَ، عَدلٌ فِيَّنا قَضَاؤُكَ. نَسأَلُكَ بِکُلِّ اسمٍ هُوَ لكَ سَمَّيتَ بِهِ نَفسَكَ، أَو أَنزَلتَهُ فِي کِتَابِكَ، أَو عَلَّمتَهُ أَحَداً مِن خَلقِكَ، أَوِ استَأثَرتَ بِهِ فِي عِلمِ الغَيبِ عِندَكَ، أَن تجعَلَ القُرآنَ رَبِيعَ قُلُوِبنَا، ونُورَ صُدُورِنَا، وَجَلَاءَ أَحزَانِنَا، وَذَهَابَ هُمُومِنَا».

بار الها، ما بندگان وبردگان تو، فرزندان بردگان تو، فرزندان کنیزکان دربارت، امورمان همه در توان وقدرت واختیارت، هر آنچه امر کنی بر ما روا باشد وهر حکمی در حق ما صادر کنی عدل است وداد، به هراسمی که شایسته بزرگی توست وبدان خودت را نام نهاده‌ای یا که در کتابت آوردهای، یا که به بنده‌ای از بندگانت آموخت‌های، ویا که در علم غیبت محفوظ‌داشت‌های، از تو می‌خواهیم که قرآن را بهار قلب‌هایمان ونور سینه هایمان وجلا دهنده غم واندوهمان وپاک کننده ناراحتی‌هایمان سازی.

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ العَفوَفَاعفُ عَنِّا».

الهی تو کریمی وبخشاینده وبخشایش را می‌پسندی پس از ما درگذر.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسأَلُكَ فِعلَ الخَيرَاتِ، وَتَركَ الـمُنكَراتِ، وَحُبَّ الـمَسَاکِينِ، وَأَن تَغفِرَ لَنَا، وَتَرحَمَنَا، وَإِذَا أَرَدتَ فِتنَةَ قَومٍ فَتَوَفَِّنَا غَيرَ مَفتُونٍ، وَنَسأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَن يُحِبُّكَ، وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنَا إِلَی حُبِّكَ».

بار الها مارا در انجام کارهای خیر یاری ده، و از زشتی‌ها بازدار، ودوستی ومحبت بینوایان را در قلبمان جای ده، و از ما درگذر ورحمت وبخشایشت را نصیب حالمان کن، واگر خواستی قومی را به فتنه وامتحانی براندازی، بدون آزمایش وامتحان جانمان بستان. الهی مارا از دوستیت ومحبت دوستانت ومحبت هر آنچه مارا بتو نزدیک‌تر می‌سازد بهرمند ساز.

«اللَّهُمَّ اقسِم لَنَا مِن خَشيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَينَنَا وَبَينَ مَعَاصِيكَ، وَمِن طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتَكَ، وَمِنَ اليَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَينَا مَصَائِبَ الدُّنيَا، اللَّهُمَّ مَتِّعنَا بِأَسمَاعِنَا، وَأَبصَارِنَا، وَقُوَّاتِنَا مَا أَحيَيتَنَا، وَاجعَلهُ الوَارِثَ مِنَّا، وَاجعَل ثَأرَنَا عَلَی مَن ظَلَمَنَا، وَانصُرنَا عَلَی مَن عَادَانَا، وَلَا تَجعَل مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجعَلِ الدُّنيَا أَکبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبلَغَ عِلمِنَا، وَلَاتُسَلِّط عَلَينَا مَن لَا يَرحَمُنَا».

بار الها، آن مقدار از ترس وهراس از قدرت وتوانت بما ارزانی دار، که بین ما وگناهان دوری افکند، وآن قدر از توفیق طاعت وعبادتت بمَا ارزانی ده، که ما را به بهشت برین رساند. وآن مقدار از ایمان ویقین که مشکلات ومصائب دنیا را برایمان آسان وهموارسازد. الهی ما را از نعمت شنوائی وبینائی ونیرو وتوانمندی تا آخرین لحظه‌ای که بما زندگی عطا می‌فرمائی محروم مساز، ووارث مارا از خودمان قرار ده، وانتقام مارا از کسی که بر ماظلم روا دارد بگیر، ومارا بر آنکس که بر ما دشمنی می‌ورزد یاری ده، ومصیبت و گرفتاری‌هایمان را در دینمان مگردان، ودنیارا بزرگترین آرزو وامیدمان، وبالاترین درجه علم ودانش وفهممان قرار مده وکسی را که بر ما رحم وشفقت ندارد بر ماچیره مگردان.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحـمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغفِرَتِكَ، وَالسَّلَامَةَ مِن کُلِّ إِثمٍ، وَالغَنِيمَةَ مِن کُلِّ بِرٍّ والفَوزَ بِالـجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ».

بار الها، بما ارزانی دار آنچه که دروازه‌های پر سخاوت رحمت وبخشایشت را برویمان می‌گشاید. وما را از معصیت وگناه بر حذر داشته به سوی نیکی‌ها وخوبی‌ها روانه ساز. الهی درهای نورانی بهشت را برویمان بگشای ومارا از آتش سوزناک وعذاب هولناک جهنم در امان دار.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسأَلُكَ يَا اللّـهُ بِأَنَّكَ الوَاحِدُ، الأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِی لَم يَلِد وَلَم يُولَد، وَلَم يَکُن لَهُ کُفُواً أَحَدٌ أَن تَغفِرَ لَنَا ذُنُوبَنَا، إِنِّكَ أَنتَ الغَفُورُ الرَّحِيمُ».

ای پروردگار یگانه ویکتا، ای آنکه دستان محتاجان تنها به سوی تو دراز است، تو پاکی از اینکه فرزند ویا پدر باشی، وتو پاک ومنـزهی از شریک داشتن، تو را مثل ومانندی نیست. بار الها، ببخشای بر ما گناهانمان را، تنها تویی بخشاینده مهربان.

«اللَّهُمَّ أَلِّف بَينَ قُلُوبِنَا، واصلِح ذَاتَ بَينِنَا، وَاهدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ، وَنَجِّنَا مِنَ الظُلُمَاتِ إِلَی النُّورِ، وَجَنِّبنَا الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنهَا وَمَا بَطَنَ، وَبَارِک لَنَا فِي أَسمَاعِنَا، وَأَبصَارِنَا، وَقُلُوبِنَا، وَأَزوَاجِنَا، وَذُرِّيَّاتِنَا، وَتُب عَلَينَا إِنَّكَ أَنتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَاجعَلنَا شَاکِرِينَ لِنِعَمِكَ مُثنِينَ بِهَا عَلَيكَ قَابِلِينَ لَهَا وَأَتمِمهَا عَلَينَا».

بار الها، بین قلب‌ها ودل‌هایمان محبت وألفت آفرین وسوء تفاهمهایمان را برطرف ساخته مارا براه سعادت ورستگاری رهنمون فرما. الهی از سیاهچال‌های گمراهی به نور ایمانمان هدایت نموده از بدی‌ها وزشتی‌های آشکار وپنهان مارا در امان دار. پروردگارا درشنوائی وبینائیمان و در دل‌ها وقلب‌هایمان و در همسران وفرزندانمان برکت عطا فرما. وببخشای بر ما که تویی بخشاینده مهربان. بار الها، مارا شکرگذار نعمت‌های بیدریغت قرار ده وبه ما توفیق آن ده که همیشه حمد وسپاس وستایش توگوئیم ومارا مستحق وقابل آنهمه فضل وکرمت قرار ده وبیفزای بر ما خیر ونیکیت را.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَسأَلُكَ عِيشَةً نَقِيَّةً، وَمَيتَةً سَوِيَّةً، وَمَرَدّاً غَيرَ مـُخزٍ وَلَافَاضِحٍ».

بار الها، سعادت وخوشبختی وشادکامی در زندگی را از درگاه عظمت وبزرگیت مسألت داریم. الهی مرگمان را به آرامی وراحتی بر ما نازل فرما، و از بازگشت زشت وناشایسته به سوی درگاه عدلت در امانمان دار.

**﴿**رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ**﴾.**

بار الها ما با نافرمانی دستورات تو به خویشتن ظلم وستم ورزیده‌ایم واگر ما را نیامرزی وبر ما رحم وشفقت نورزی از زیانکاران خواهیم شد ...

**﴿**رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ**﴾.**

پروردگارا بتو توکل جسته‌ایم وبسوی تو روی آورده‌ایم وبازگشت همگان به سوی توست.

**﴿**رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ**﴾.**

بار الها، کافران را بر ماچیره مگردان وما را سبب روی گردانی آنان از دینت مساز، پروردگارا ببخشای ما را که تو بر همه چیز توانا ودانایی.

«اللّهُمَّ انصُر الإِسلَامَ وَالمُسلِمِين، اللُّهُمَّ انصُرِ الجِهَادَ وَالمُجَاهِدِين، اللَّهُمَّ انصُر مَن نَصَرَ دِينَ مُحَمَّدٍ ج وَاجعَلنَا مِنهُم، اللّهُمَّ اخذُل مَن خَذَلَ دِينَ مُحَمَّدٍ ج وَلَا تَجعَلنَا مِنهُم».

بار الها پیروز گردان اسلام ومسلمانان را. الهی یاری ده جهاد ومجاهدان را. پرودگارا پیروز گردان هر آنکس که دین محمد ج را یاری می‌دهد ومارا از زمره ایشان قرار ده. الهی خوار ورسوا ساز آنان را که خوار ساخته‌اند دین محمد ج را ومارا از آنان قرار مده.

«اللّهُمَّ مَن أَرَادَ الإِسلَامَ وَالمُسلِمِينَ بِسُوءٍ فَاشغِلهُ فِي نَفسِهِ وَاجعَل تَدبِيَرَهُ فِي تَدمِيرِهِ».

پروردگارا هر آنکس که بر علیه اسلام ومسلمانان نقشه می‌کشد را بخودش مشغول دار، ونیرنگ وحیله‌اش را سبب هلاکت ونابودیش قرار ده.

«اللّهُمَّ عَلَيكَ بِأَعدَاءِ الإِسلَامِ وَبِکُلِّ مَن سَاعَدَهُم وَسَانَدَهُم. اللّهُمَّ إِنَّا نَجعَلُكَ فِي نُحُورِهِم وَنَعُوذُ بِكَ مِن شُرُورِهِم. اللّهُمَّ أَرِنَا فِيهِم يَومَاً أَسوَدَاً كَيَومِ هَامَانَ وَفِرعَون».

پروردگارا دشمنان اسلام و هر آنکس که دست یاری و کمک بدانان داد را خوار و رسوا ساز. بار الها تیر زهراگینت را در حلقوم‌شان فرو بر و ما را از بلاها و نیرنگ‌هایشان درامان دار.

**بارخدایا آنان را چو هامانیان وفرعونیان هلاک ونابود گردان.**

«اللّهُمَّ إِنَّكَ قُلتَ وَقَولُكَ حَقٌ: **﴿**ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ**﴾** وَهَا نَحنُ بِبَابِ جُودِكَ قَد دَعَونَاكَ كَمَا أَمَرتَنَا فَاستَجِب لَنَا كَمَا وَعَدتَنَا وَلَا طَرُدناً عن بَابِ جُودِكَ خَائِبِين».

بار الها تو گفتی وسخنت راست است وحقیقت «مرا خوانید تاحاجتهایتان برآرم» وحال این مائیم که بر دروازه کرم وسخاوتت آنچنان که امر فرموده ای دست تضرع وزاری دراز نموده‌ایم پس دعاهایمان را پذیرا باش وما را از درگاه سخاوتت دل شکسته وناامید مرهان.

«وَصَلِّ اللّهُمَّ وَسَلِّم عَلَى عَبدِكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ج وَعَلَى وآله وصَحَابَتِهِ وَمَن تَبِعَهُ بِإِحسَانٍ إِلَى يَومِ الدِّين».

بار الها سلام ودرود فرست بربنده وپیامبرت محمد ج وبرخاندان ویاران وپیروان راستینش تا روز قیامت.

1. - به روايت مسلم. [↑](#footnote-ref-1)
2. - به روايت بخاری. [↑](#footnote-ref-2)